

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



ژانویه 2019 - دی 1397

شماره 78

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<https://t.me/nahadhayehambastegi>



به مناسبت آغاز سال ۲۰۱۹

سال نو میلادی را در شرایطی آغاز می کنیم که جهان در اثر تسلط سیاست های بازار آزاد بر اکثریت زندگی مردم جهان، تلاش دارد تا دستاوردهای مبارزاتی بشریت متمدن طی دو قرن اخیر را بازپس بگیرد و با تحمیل جنگ و فقر و گرسنگی و مهاجرت و آوارگی، جهان را به بربریت نوین بکشاند. از سویی دیگر جامعه ی جهانی خیزشی را آغاز نمود تا ریشه های سرمایه دای را از بیخ و بن بکنند و زندگی و تمام مظاهر آن، کار و تلاش و زیستن در آغوش طبیعت و عشق به انسانها، این عطیه های زیستن را که دیر زمانی است به تاراج رفته، در تلاشی همگانی و بی امان باز پس گیرد. در سال نو، صلح، آزادی و عشق و امید به آینده ای بدون سرمایه داری را آرزو مندیم. شاد و پیروز باشید. شورای بازنشستگان ایران



"نان، کار، آزادی، اداره شورایی"

جنبش کارگری ایران در سالی که گذشت!

سال گذشته در تاریخ جنبش کارگری ایران در زمره درخشانترین سالها از نظر مبارزه طبقه کارگر بوده است. تا آنجا که به شرایط اقتصادی و معیشتی کارگران برمی‌گردد، ادامه تحریمهای شدید اقتصادی و سقوط نرخ ارزش ریال در مقابل ارز خارجی تاثیر مستقیم در روند افزایش روزانه قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران و زحمتکشان جامعه بطور صعودی گذاشته است. تهاجم بیرحمانه سرمایه به سطح معیشت کارگران حتا نان خالی را نیز از سفره کارگران ربوده و خانواده های کارگری را به اعماق فقر و فلاکت و تنگدستی غیر قابل تصویری سوق داده است.

تاثیرات این فشارهای اقتصادی و معیشتی و بازتاب آن را در اعتیاد، فحشاء، سرقت و کودکان کار و خیابانی نشان داده است و ما شاهد هستیم که این پدیده گرسنگی و بی خانمانی چطور روزانه از طبقه کارگر قربانی می‌گیرد. روند تورم و گرانی و بیکارسازیها در اثر خصوصی سازیها و تحریمها بسرعت رو به افزون است. شمار زیادی از کارگران به علت بسته شدن بسیاری از مراکز تولیدی که ناشی از تغییرات ارزی بود بیکار شده اند. با توجه به موج وسیع اخراجها و تعطیل شدن پی در پی کارخانه‌ها، صف ده میلیونی بیکاران و نیز ارتش ذخیره نیروی کار را بیش از پیش فشرده تر نموده است.

طبقه کارگر ایران با وجود تمام این مشکلات و دشواری‌ها، علیه این تعرضات و برای دست یابی به مطالبات خود در صدها مورد و در اشکال متنوعی دست به اعتراض و اعتصاب زده است. از جمله این حرکتها و اعتراضات توده ای خیزش مردمی دیمه سال گذشته بود، که با شرکت همزمان صد شهر در ایران کل نظام جمهوری اسلامی را بدون توهم به جناحهای درون حکومتی زیر سوال بردند و خواهان بر کناری جمهوری اسلامی شدند. گرچه هدایت این حرکت مستقیما در دست جنبش کارگری نبود، اما اکثریت توده های زحمتکش در این اعتراضات متعلق به طبقه کارگری بود که در ضديت و مبارزه با نظام حاکم به پا خاسته بود. با شکستن فضای استبداد چهل سال حکومت مستبد جمهوری اسلامی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی جان تازه ای گرفتند. در ادامه این حرکتها بود که اعتصاب پرشکوه و خروش کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، همراه با دهها تحصن و اعتصاب معلمان، دانشجویان، بازنشستگان و... به اتحاد و همبستگی ای بین بخشهایی از جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی ختم شده که با سر دادن شعار " نان، کار، آزادی و اداره شورایی، لُرزه بر اندام سردمداران جمهوری اسلامی انداخته است. این حرکتها فضای رعب و وحشت حاکم را شکسته، زمینه را برای هر چه بیشتر متحد شدن بخشهای دیگر جنبش کارگری همراه با جنبشهای اجتماعی فراهم نموده، مطالبات و خواستهایی که جنبش کارگری پرچمدار آن است، به مطالبه و خواسته میلیونها توده مردم زحمتکش تبدیل نموده است. اتحاد و همبستگی ایی که سالها جنبش کارگری در اعتراضات و اعتصابات پراکنده با یک چالش جدی با آن روبرو بود، تا حدود زیادی بطور جهشی برقرار شده است، زنان کارگر و خانواده های کارگری بطور فعال همراه و همدوش با هم طبقه ایهای کارگر مرد به میدان آمده، خواستهها و مطالبات مشترک را فریاد میزنند.

کارگران جهان متحد شویم!

مجموعه این اعتصابات و اعتراضات مملو از دستاوردهایی برای کارگران و توده های مردم زحمتکش بوده است که در پویایی و رشد رو بجلو جنبش کارگری بسیار ارزنده می باشد. در تقابل با ستم و نابرابری، تنها سلاح کارگران مبارزه و استفاده از ابزارهای متفاوت مبارزاتی از جمله: ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، اعتراض و اعتصاب بوده است. در این جدال تنگاتنگ کارگران با اقدامات پلیسی مزدوران سرمایه از بازداشت و اخراج فعالان کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی، پیگرد و ارباب کارگران پیشرو و فعالان کارگری، تشدید تهدیدات و شکنجه های جسمی و روحی کارگران زندانی، پرونده سازی و صدور احکام سنگین علیه آنها روبرو بوده اند. هم اکنون سران رژیم با کمک خود فروختگانی که ادعای کارگر بودن را دارند در تلاشند که سندیکای زرد دولتی را در تقابل با سندیکای شرکت واحد و سندیکای هفت تپه ایجاد نمایند. کارگران سندیکای شرکت واحد با افشاء نمودن این توطئه مزورانه در مبارزه ای پیگیر با مزدوران شورای اسلامی کار و وزرات کار هستند. کارگران هفت تپه نیز با بی توجه به شرکت در جلسه فراخوانده شده برای ایجاد شورای اسلامی، آنها را بی ابروتر کردند. رژیم منفر سرمایه داری در ایران از سویی دیگر با تهاجم وحشیانه به اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز تعدادی بسیاری از کارگران را دستگیر نموده اند.

این کارگران بطرز وحشیانه مورد شکنجه و آزار روحی و جسمی قرار گرفته اند، چند نفر آنها به قید وثیقه های سنگین آزاد و در منزل خود محبوس میباشند. کارگران فولاد اهواز هنوز با ادامه اعتصاب هر روزه کارگران و حضور خانواده های کارگران زندانی در جلو استانداری هنوز از آزاد شدن آنها خبری نیست و همچنین از آزادی علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه هنوز اطلاعی در دست نیست. تعدادی از فعالین جنبشهای اجتماعی زندانی و تحت شدیدترین فشارهای روحی و روانی اند، آنها هنوز هم در زندان بسر میبرند. جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی، تا کنون بهای سنگینی برای این مبارزات پرداخته اند اما به این واقف هستند که با نیروی اتحاد و همبستگی و مبارزه می توان هم طبقه ایهای دربند را آزاد نمود و به خواستها و مطالبات دست یافت. بر این مبنا است که هنوز مبارزه و اعتصاب و اعتراض ادامه دارد.

بطور مشخص، سرمایه داری حیات و موجودیت خود را در استثمار کارگران و از قبل نیروی کار آنها جستجو می کند. بهمین دلیل، سرکوب هر حرکت کارگری حتی در سطح ابتدایی ترین خواسته ها، برای بورژوازی و ادامه حیاتش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اما در مقابل هم کارگران به این آگاهی دست یافته اند که فقط با مبارزه می توان دشمن طبقاتی را به عقب راند. سال گذشته سال درخشش و رشد جنبش کارگری بود، اما از نظر معیشتی یکی از فلاکتبارترین سالها برای کارگران و زحمتکشان بوده است. طبقه کارگر ایران با این روحیه مبارزاتی قوی خواهد توانست در سال بعد برای تغییر در بنیانهای جامعه در خدمت به اهداف خود و اکثریت جامعه قدم بردارد و تنها نیروی اجتماعی تا به آخر پیگیر باشد.

دسامبر 2018

گسترده باد همبستگی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی!

اسماعیل بخشی

دعوت از حجت الاسلام علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی به مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی

جناب آقای علوی در 25 روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج‌هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آن‌ها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده‌ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خُرّه مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهنده‌ی اصلی آنها فقط شخص شما می‌باشید و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش‌ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا 72 ساعت در سلولم از جایم نمی‌توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم زجر آور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دوماه از آن روز سخت در دنده‌های شکسته‌ام، کلیه‌ها، گوش چپم و بیضه‌هایم احساس درد می‌کنم جالب اینکه شکنجه‌گران خود را سرباز گمنام امام زمان می‌نامیدند اما به بنده و خانم‌قلیان انواع اقسام فحش‌های رکیک جنسی میدادند و ایشان راهم کتک می‌زدند اما از شکنجه‌ی جسمی بدتر، شکنجه‌های روانی بود، نمی‌دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دست‌هایم می‌لرزد، منی که زمین زیر پایم می‌لرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص‌های اعصاب و روان گاهی دچار حمله‌های شدید عصبی روحی و روانی می‌شوم، اکنون از جنابعالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم: از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه‌ی یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟

مسئله دوم که برای من و خانواده‌ام بسیار بسیار مهمتر از شکنجه‌های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده‌ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجویم میگفت ما از همه چیز تو خبر داریم حتی می‌دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزاتت با تو دعوا کرده است گفتیم از کجا میدانید گفت مدت‌ها تماس‌های تو «شنود» می‌شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال پرسش بنده و خانواده‌ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که: آیا «شنود» خصوصی‌ترین مکالمات انسانها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجانب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می‌کنم.

اسماعیل بخشی

14 دی 97

Ismael Bakhshi

Inviting Hojjat-ul-Islam Alavi, the Minister of Intelligence of the Islamic republic of Iran, to a live debate on national TV

Mr. Alavi,

During the 25 days I was unjustly held in detention by your Ministry of Intelligence I was inflicted with pains and sufferings I am still grappling with, as a result of which I have had to resort to and seek relief in psychotropic drugs. Throughout this time I have been plagued by two questions, to which you alone are chiefly answerable. And it is my, as well as the whole honorable people of Iran's, right to know the answers to them.

First: during the first few days of detention I was tortured to the brink of death without hearing a single reason or even being spoken to a single word. The torrent of the kicks and punches was so harsh that afterwards, in my solitary cell, I could not even move a limb. The pain was also too much to let me get a wink of sleep. And now, almost two months after, I still feel pain in my broken ribs, kidneys, left ear and testicles. The torturers, lo and behold, called themselves "The Unknown Soldiers of the Hidden Imam of the Age", but they showered both me and Ms. Sepide Gholyaan, also being bashed, with a whole slew of the most obscene swearwords.

The most painful part of the whole ordeal was the psychological tortures. I wonder what your torturers did to me to reduce me to a timid mouse with trembling hands! I, who felt to be the proudest person on earth, was reduced to a humiliated character, a totally different person, to the extent that I am sometimes in the throes of intense psychological attacks, despite all the medication I use to stop them.

Therefore, I ask you, as both the country's Minister of Intelligence and a spiritual man, a clergyman: How do you explain the torturing of a detainee from a moral, human-rights and, especially, Islamic perspective? Is it justified? If "yes", to what degree?

The second problem that that bugs me, Mr. Alavi, is much more significant to me and my family than the physical and psychological tortures is the tapping of my phone and eavesdropping on my and my family's conversations by your intelligence services. I was told by my interrogator, 'We know everything about you. We even know how many times your wife has argued with you about your struggles.' When I asked, 'How do you know?', he replied, "Your phone was tapped for a long time". This exasperated me even during the unbearable interrogation I had been subjected to. Now, my and my family's question for you, as both the country's Minister of Intelligence and a spiritual man, a clergyman, is: "Is eavesdropping on the people's most private conversations justified from a moral, human-rights and, especially, Islamic perspective? Who has given your intelligence services the right to eavesdrop on my private conversations with my beloved wife?"

I, therefore, invite you, Mr. Alavi, to a live debate on national TV in order to hear your answers to the above questions.

Ismael Bakhshi

Jan. 4, 2019

بیانیه شورای بازنشستگان ایران درخصوص بازداشت و شکنجه اسماعیل بخشی!

زندانی و شکنجه کردن اسماعیل بخشی،

بوم رنگی که به سمت خود شکنجه گران برگشت.

بعد از اعتراضات گسترده کارگران هفت تپه برای نان و معیشت و آزادی، دستگیریها شروع شد. چندین تن بازداشت شدند. انعکاس تحولات آن همزمان با اعتراضات طولانی کارگران گروه ملی فولاد اهواز، "بخشی" را به عنوان نماد این بخش از جنبش مزد بگیران در تصویری شجاعانه به جامعه معرفی کرد، او بازداشت شد ولی زیر فشار حمایتگرانه بخشهای مختلف جامعه از جمله معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و وکلا ... آزاد گردید.

دلیل این حمایتها را شاید بتوان در دو جمله کوتاه خلاصه کرد:

سمت و سوی حرکت اعتراضی کارگران هفت تپه به نقطه ای بود که نه تنها گارگران، بلکه همه اقشار و لایه های مختلف اجتماع را به پرتگاه بیکاری و فقر و تنگناهای معیشتی کشاند. یعنی حراج و غارت همه منابع وامکانات مالی و زمین و کارخانه و نفت و گاز و... تحت لوای خصوصی سازی. کدام کارگر و معلم و دانشجویی را میتوان بر شمرد که تیغ خصوصی سازیها بر تنش زخم نزده باشد؟

جنبشهای مطالباتی بدرستی دریافته اند که فعالیتها و تلاشهای منفرد و پراکنده، به تنهایی قادر نخواهند بود در مقابل این سیل ویرانگر بایستند و به همین دلیل است که افشاگریهای بخشی در مورد شکنجه گران این چنین بازتاب گسترده و عمیقی را به همراه داشته است. حرف دل مردم زده شد و به دل نشست. هیچکس تصور نمیکرد که یک یادداشت چند خطی بتواند همه مسولان را به تکاپو وادارد و هر کس در مقام خود بگوید که: من نبودم... و محکوم است.... و پیگیری شود و....

□ شورای بازنشستگان ایران به عنوان بخشی از صدای بازنشستگان جامعه که مطالبه معیشت و درمان و آزادی را دارند، هرگونه دستگیری و شکنجه و آزار را محکوم میکند. و مصرانه خواستار پاسخگوئی به افکار عمومی در مورد اظهارات اسماعیل بخشی و مجازات همه عاملین و عامرین به این تعرض گستاخانه به فعالین جنبشهای مطالباتی و اجتماعی است.

از آنجائیکه مسئولیت جان تمامی بازداشت شدگان به عهده نهادهای حکومتی و دولتی است، افکار عمومی جامعه منتظر واکنش و پاسخگوئی آنان است.

از جمعی از کارگران هفت تپه، خطاب به ۳۴ تشکل اسلامی دانشجویی

دانشجویان عزیزی که در تشکلات انجمن اسلامی متشکل شده اید و نامه ای منتشر کرده اید که حاضرید میزبان مناظره اسماعیل بخشی و وزیر اطلاعات باشید. با سلام. نکات و ملاحظاتی را درباره نامه شما، به اطلاع میرسانیم.

۱- گویا از نظر شما، صحت مطلب منتشره شده توسط کارگران هفت تپه، منجمله کانال مستقل کارگران هفت تپه، نوشته های اسماعیل بخشی و ده ها خبر و گزارش منتشره دال بر شکنجه و آزار و اذیت اسماعیل بخشی، خانم قلیان، آزار آقای علی نجاتی کارگر بازنشسته، هنوز وضوحا مورد تایید نیست! به نظر میرسد شما خودتان را در مقام واسط برای روشن شدن حقیقت میدانید. یعنی اینهمه اخبار کارگری و شهادت های مستقیم کارگران که آخرینش نوشته ی اسماعیل بخشی بوده برای شما سندیت ندارد؟ در اینصورت میانجی گیری شما بین کارگران هفت تپه و وزیر اطلاعات از نظر ما کاملا یکطرفه و به نفع وزیر اطلاعات و دولت است. دست کم خوب بود نامه ای مینوشتید و خواهان آن میشدید که وزیر اطلاعات بیاید و درباره این واقعیات و شکنجه ها پاسخگو باشد و توضیح دهد. همچنین قابل ذکر است که اسماعیل بخشی فقط فعال کارگری در هفت تپه نیست. ایشان مضافا نماینده چند هزار کارگر در هفت تپه هستند.

۲- گویا شما دانشجویان عزیز هنوز در توهمید که در ایران، یک شهروند میتواند به راحتی مقامات را مورد نقد قرار دهد و از احضار و حبس و تهدید و اخراج و آزار و شکنجه در امان باشد! در نامه شما این توهم، به روشنی دیده میشود. کجای عمر چهل ساله حکومت در ایران خالی از آزار و اذیت سیستماتیک علیه شهروندان و مشخصا کارگران بوده است؟

۳- ما از شما تشکلات اسلامی دانشجویی، واکنشی در قبال سرکوب تشکلات مستقل کارگری منجمله در هفت تپه مشاهده نکرده ایم. مشاهده نکردیم که شما هم همصدا با کارگران مخالف باشید که انتخابات تحمیلی، زورکی و تقلبی برای ایجاد شورای اسلامی کار برگزار شود. مثلا همانطور که شما را آزاد میگذارند که انجمن اسلامی تشکیل دهید سایر دانشجویان نیز باید آزاد باشند سایر تشکلات مستقل و مثلا صنفی، فکری، فرهنگی و اجتماعی خود را بنا نهند و از هر اذیت و تعقیب امنیتی و قضائی مصون باشند.

۴- ما از شما دانشجویان که فرزندان طبقه کارگرید تعجب میکنیم که لزوم متشکل شدن شما در انجمن ها و نهادهای دانشجویی اسلامی به چه علت است؟ اعتقاد اسلامی شخصی هر کدام از شما امر شخصی خود شماست اما لزوم تشکیل انجمن اسلامی چیست؟ در ایران کمبودی در زمینه ترویج و تبلیغ اسلام مشاهده میکنید؟ اینهمه بودجه و امکانات هنگفت و اضافه که برای تبلیغ و ترویج مذهبی هزینه میشود از نظر شما کافی نیست؟ ملاحظه نکرده اید که تمامی قوانین و اجرائیات در این مملکت بر اساس شریعت نوشته و اجرا میشود؟ به واقع ضرورت تشکیل انجمن اسلامی چیست؟ برای اینکه حامی یک جناح خاص از حاکمیت باشید؟ حاکمیت که خود صد ها قانون و اداره و نهاد و سازمان برای دفاع از خودش دارد پس چه لزومی دارد که شما هم متشکل شوید که در این اقدامات شراکت داشته باشید؟ چرا برای دفاع از حقوق مردم متشکل

کارگران جهان متحد شویم!

نمیشوید؟ چرا شما دانشجویان همراه و همگام با مردم برای رفع فقر و ستم و فلاکت و شکاف طبقاتی و علیه دزدی و اختلاس سیستماتیک و برای دفاع از آزادی بیان و عقیده و تشکل و تحزب و انجمن و تحسن و اجتماع و اعتصاب متشکل نمیشوید و تلاش نمیکنید؟

۵- از نظر ما اعتقاد مذهبی شما امری شخصی و انتخاب شماست. اینکه فردی مسلمان باشد یا مسیحی یا به هر خدایی اعتقاد داشته باشد یا نداشته باشد مساله ای شخصی است اما بودجه و امکانات اجتماعی نباید صرف تبلیغ و ترویج اعتقادات مذهبی افراد باشد. بودجه مملکت باید صرف ایجاد رفاه و برابری در جامعه شود. امیدواریم تلاش شما دانشجویان که مشخصاً و مثلاً مستقیماً تبعیض آموزشی و کالایی شدن آموزش را مشاهده کرده اید علیه سیاست های تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی، قراردادهای سفید امضا موقت، اخراج، تهدید و علیه سرکوب کارگران، فعالان کارگری و تشکلات مستقل کارگری نیز متمرکز شود. البته برای چنین تلاشی از نظر ما تشکلات مذهبی و عقیدتی مانند تشکلات شما یعنی انجمن اسلامی دانشجویی و یا شورای اسلامی کار، ماهیتاً نه تنها مناسب نیستند بلکه خود به نوعی در خدمت بازتولید فقر و تبعیض و سرکوب هستند.

۶- ما نمیدانیم شما به کدام یک از جناح های حکومتی تعلق خاطر دارید و آیا دعوت برای میزبانی مناظره اسماعیل بخشی و وزیر اطلاعات از نظر شما مثلاً تبلیغی برای این است که گویا دولت روحانی دولتی پاسخگو است؟ مثلاً میخواهید علیه رقبای دولت روحانی اقدامی کرده باشید؟ فرقی ندارد، چه موافق جناح روحانی باشید یا موافق جناح یا جناح های دیگر، خوب است به این واقعیت دقت کنید که تمامی این جناح ها در گسترش فقر و خصوصی سازی و فلاکت و سرکوب، همراه و یکدست هستند و همگی در خدمت مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری هستند. ما شما را دعوت میکنیم که به نیروی اجتماعی عظیم طبقاتی خودتان یعنی طبقه کارگر اتکا کنید.

۷- در پایان درخواست میکنیم برای تقویت فضای نقد و گفتگو و در احترام به اصول اولیه گفتگو و حق آزادی افراد در نشر و نظر، عین نامه جوابیه ما را منتشر کنید و ما نیز در ذیل، اصل نامه شما را منتشر میکنیم. همچنین از پاسخ شما به نامه خودمان استقبال میکنیم.

**جمعی از کارگران هفت تپه
شنبه، پانزدهم دیماه نود و هفت**

اصل نامه ۳۴ تشکل اسلامی دانشجویی:

خطاب به #وزیر_اطلاعات و دعوت از او جهت مناظره با #«اسماعیل_بخشی»: جناب آقای حجت الاسلام والمسلمین سید محمود علوی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

باسلام؛ احتراماً پیرو درخواست جناب آقای «اسماعیل بخشی» #فعال_کارگری هفت تپه که اخیراً مدتی را در بازداشت به سر برده اند، تشکل های امضاکننده این نامه درخواست برگزاری مناظره برای روشن شدن موارد مطرح شده توسط ایشان را دارند. در آستانه ورود به پنجمین دهه ای انقلاب، انتظار می رود جمهوری اسلامی در مرحله ای قرار گرفته باشد که یک کارگر بتواند بلندترین مقامات کشور را مورد نقد قرار دهد و در جایگاه شهروندی خود، آنها را به #پاسخگویی وا دارد. لذا ضمن درخواست برگزاری #مناظره با ایشان، ما تشکل های دانشجویی امضاکننده این نامه، آمادگی خود را برای میزبانی این نشست اعلام می داریم.

(امضا، ۳۴ تشکل اسلامی دانشجویی)

کشتار کارگران جهان چیت کرج توسط رژیم جنایتکار شاه و کشتار کارگران خاتون آباد توسط جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی فراغوش خواهند شد!

کارگران خاتون آباد در اواخر دی ماه ۸۲ جهت اعتراض به اخراج جمعی کارگران همراه با خانواده هایشان، جاده منتهی به کارخانه را مسدود نموده و خواهان بازگشت به کار کارگران شدند. اما بعد از ۹ روز اعتصاب با ادامه اعتراض کارگران، نیروهای انتظامی و یگان ویژه به کارگران و خانواده آنان حمله نموده و با آنها درگیر می شوند.

ادامه درگیری منجر به جان باختن یکی از کارگران و زخمی شدن تعداد دیگری می شود، با بوجود آمدن این وضعیت دامنه اعتراض به شهر بابک کرمان کشیده می شود، در ۴ بهمن، نیروهای امنیتی و نظامی از زمین و هوا به کارگران حمله می کنند و طی آن چند تن از کارگران اعتصابی به نامهای ریاحی، مدنی، جاویدی و مهدوی و یک نفر دانش آموز به نام پورامینی جان باختند. این کشتار یادآور کشتار کارگران جهان چیت کرج بود و نشان داد در دفاع از منافع سرمایه داران، جمهوری اسلامی با کشتار وحشیانه کارگران، چیزی از رژیم پهلوی کم ندارد ...

این حمله وحشیانه رژیم به کارگران خاتون آباد نتوانست خللی در اراده مبارزاتی و طبقاتی طبقه کارگر ایران بوجود آورد و آنها را مرعوب نماید. بلکه برعکس عزمشان برای مبارزه در جهت رسیدن به مطالبات ریز و درشتشان متشکل تر افزایش یافت. از آن هنگام تا کنون جنبش مطالباتی کارگران روزی نبوده است که شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری بر علیه اخراج های گسترده، احقاق حقوقهای معوقه، تأمین امنیت شغلی و خصوصی سازی و ایجاد تشکلهای مستقل نبوده باشند.

کشتار کارگران خاتون آباد، دستگیری و زندانی کردن بیوقفه کارگران و دیگر معترضین، ادامه مبارزه تعطیل ناپذیر و رو به رشد کارگران و دیگر اقشار جامعه، متحد و مشککتر شدن جامعه، رشد اتحاد و همبستگی و همگرایی های بیشتر کارگران و مردم، نشان از پیشروی این جنبش را در پیش رو دارد. مبارزه ی کارگران در شهر بابک نشان داد که آنها برای دفاع از منافعشان، تابع بی چون و چرای اراده ی صاحبان قدرت و سرمایه نیستند و آماده اند تا پای جان از منافع خود دفاع کنند.

مبارزه کارگران خاتون آباد تداوم خود را در اعتراضات وسیع کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی از جمله: معلمان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان و خانواده های آنان ... در اشکال مختلف نشان میدهد، و اعتصابات و اعتراضات و تحصنها و گردهمایی بیشماری در جریان است. رژیم هار و جنایتکار جمهوری اسلامی دیوانه وار حمله به صفوف معترضین کرده و با دستگیری و شکنجه رویای ادامه حیات دارد. زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی، معلمین و دیگر زندانیان سیاسی است. با تحت فشار بودن معترضین مجبور به آزاد کردن زندانیان است اما وثیقه های سنگین را شرط کرده، که خود نمایش ترس و وحشت و انتقام رژیم از مبارزین است.

گرامی باد یاد جان باختگان معدن مس خاتون آباد!

"نان، کار، آزادی، اداره شورایی"

گسترده باد همبستگی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی!

کارگر، معلم، دانشجو ... اتحاد اتحاد!

کارگر زندانی و زندانی سیاسی با لغو وثیقه و بی قید و شرط آزاد گردد!

جنبش کارگری ایران، جمهوری اسلامی را همانند رژیم شاه، سرنگون خواهد کرد!

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

دی ۱۳۹۷ برابر با ژانویه ۲۰۱۹

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کنند:

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

به یاد کارگران جانباخته خاتون آباد

"نان، کار، آزادی،

اداره شورائی"

لغو خصوصی‌سازیها، آزادی فوری دستگیر شدگان و...

به کارزار آزادی فوری و بی‌قید و شرط کارگران
زندانی و سایر زندانیان سیاسی بپیوندیم!

با حضور فعالین کارگری از داخل و خارج

یکشنبه 20 ژانویه 2019 – 30 دی 1397

ساعت 19.00 بوقت اروپای مرکزی، به وقت ایران 21.30

پالتالی

Otag: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

اعلام همبستگی و پشتیبانی نهاد های همبستگی

با خواست دانشجویان و خانواده هایی که عزیزان خود را در سقوط اتوبوس کرایه ای دانشگاه آزاد از دست دادند!



در شرایطی که مردم سراسر جهان روزهای پایانی سال ۲۰۱۸ میلادی را با برافروختن میلیون ها چراغ و نورانی نگاهداشتن خیابان ها و اندرون خانه های خود به سوی شادی و شادمانی پیش می برند . در ماتمکده ایران از قیل نظام آدم ستیز جمهوری اسلامی ، دهها و صد ها خانواده طی همین روزها بر گور فرزندان خود نشسته اند و در ماتم خویش فرو رفته اند ، بیشمارانی چشمنا نشان به سوی رهایی عزیزانشان از زندان ها است !

در ایران طی روزهای گذشته حادثه دلخراش آتش سوزی مدرسه اس در زهدان ، چهار کودک را پر پر نمود و سپس حادثه سقوط اتوبوس حامل دانشجویان علوم تحقیقاتی دانشگاه آزاد، ۲۸ نفر مصدوم بجا گذاشته که هم اکنون تعداد مصدومین ۲۵ نفر هستند. اسامی شناسایی شده به شرح زیر است:

۱- نگار باب الحوائج ۲- سجاد پور احسان ۳- علی حسین زاده نوا ۴- رحمان عقلمند ۵- احسان صفایی ۶- محمدجواد هوشنگی ۷- محمدعلی ابوالفتحی راد ۸- سارا ابوالفتحی راد ۹- یک خانم ناشناس به گفته مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران احراز هویت قطعی پس از حضور بستگان درجه اول انجام می شود و اجساد جانبختگان با دستور مرجع قضایی در مرکز پزشکی قانونی واقع در کهریزک روبروی مخابرات تحویل خواهد شد.

خانواده ها می گویند : «تنها چیزی که این جا می بینیم رفت و آمدهای مسئولان از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرفته تا مسئولان بی کفایت دانشگاه و حتی بازیگران و ... است که هر کدام با هر هیاتی به این جا می آیند و عکس های نمایشی و تبلیغاتی خود را می گیرند و در رسانه ها منتشر می کنند». یکی از مادران روز گذشته به عارف گفت: « بازدید شما را نمی خواهم. دلجویی نمی خواهم، من فقط درمان می خواهم. جان آنها را به دست دانشجویان ریزیدنت ندهند. بگویند پزشکان و اساتید ماهر بر بالین فرزندانمان حاضر باشند.» در این میان دانشجویان علوم تحقیقات می گفتند: « اورژانس خیلی دیر درمحل حادثه حاضر شد. اما نیروهای یگان ویژه با سرعت بیشتری به دانشگاه رسیدند تا اعتراض خانواده ها و ما را خاموش کنند!»

ما بر آنیم راهحل خاموش کردن آتش خشم دانشجویان مصیبت زده و خانواده ها ، پاسخگویی به مطالبات دانشجویان است . خواست اعلام شده دانشجویان رد تجمعات روزهای اخیر پائین کشدن ولایتی و شعار استعفاء استعفاء اوست . نه حضور یگان ویژه و ایجاد رعب و وحشت ایجاد کردن در میان دانشجویان و خانواده ها !

فعالان نهاد های همبستگی بر آنند : امروز زندان های ایران از وجود دهها کارگر ، معلم و صد ها دانشجوی چپ و آزادیخواه و خیل وسیع دگر اندیشان (جنسی ، ملی ، بهائیان ، دراویش و ...) و احکام صادره برای بیشمارانی از سوی این و آن شعبه دادرسی کشور موج می زند. به جای سرکوب و به زندان کشاندن این همه ، باید به خواسته ها ی نیروهای توده های به پا خاسته، جامعیت بخشید . کارگر زندانی و زندانی سیاسی را باید با لغو وثیقه و بی قید و شرط آزاد نمود .

فعالان نهاد های همبستگی با اعلام همصدایی با یکایک خانواده ها و پشتیبانی از خواسته های سیاسی و مطالباتی دانشجویان آزادیخواه ؛ در این روز های سخت و پر تعب خود را کنار یکایک آنان و جنبش مطالباتی می بینیم و همواره تلاش می ورزیم که صدای یکایک آنان باشیم .

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

یکشنبه ۹ دی ۱۳۹۷ برابر با ۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

نهاد های همبستگی

گرامی باد رزم مشترک دانشجویان و کارگران در شانزده آذر دانشجو!



شصت و پنج (۶۵) سال پیش فعالان ستم ستیز و مبارزین آزادی خواه و عدالت طلب دانشجو، خشمگین از کودتای بیست و هشت مرداد ۱۳۳۲ و سفر نماینده سازمان دهنده اصلی این کودتای ننگین یعنی ریچارد نیکسون، معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران بود. دانشجویان به خشم آمده بودند، اعتراضات خود را از دانشکده پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم شروع و در دانشکده فنی به رودروی کشاندند. پیشروان این حرکت اعتراضی نیروهای آزادیخواه ملی و چپ بودند. در همایش اعتراضی آن روز دختران دانشجو نیز دوش به دوش آنان در صف چنین پیکاری حضور داشتند.

سالها از این واقعه تاریخی که منجر به جانباختن سه دانشجو: شریعت رضوی، احمد قندچی، مصطفی بزرگ نیا و چندین بازداشت و زخمی می گذرد باید گفت: شانزده آذر تجلی روزی است که در تاریخ مبارزان مردم کشور ما جای ویژه ای دارد. هر ساله این روز چه در نظام شاه و چه شیخ، دانشجویان در جای جای کشور، این روز را گرامی می دارند.

جامعه ایران انقلاب سال پنجاه و هفت را پشت سر گذاشت اما کماکان ستم و نابرابری، تبعیض و بیعدالتی به حیات ننگینش ادامه می دهد. با استقرار نظام فاشیستی استبدادی جمهوری اسلامی، فقر و نابرابری، سرکوب و غارت اموال عمومی نه تنها کم نشد بلکه دامنه اش به مراتب گسترش پیدا کرد. طی چهار سال حاکمیت ننگین و غارت گر این رژیم فاشیست سرمایه داری، جنبش دانشجویی در کنار دیگر جنبشهای اجتماعی کماکان سرزنده و در صحنه مبارزه برای جامعه ای سرشار از عدالت و برابری دخالت گر و فعال بوده است. در این گیرودار جنبش دانشجویی نیز هزینه های زیادی متحمل شده است. تعداد زیادی از پیشروان و فعالان آزادی خواه، برابری طلب و سوسیالیست این جنبش زندان، اخراج و یا مجبور به مهاجرت شده اند.

ادامه مبارزه و پیامد جنبشهای اجتماعی عاقبت توهم توده مردم به حکومت استبدادی فاشیستی جمهوری اسلامی را در بامه نود و شش شکست. بیش از صد شهر ایران در اعتراض به فقر، تبعیض و نابرابری به خیابانها آمدند. از جناحهای حکومتی گذر کردند و باتکیه به نیرو و توان خود خواسته ها و مطالباتشان را فریاد زدند. در ادامه همین حرکتها اعتراضی در مرداد ماه نود و هفت بار دیگر خیابان به صحنه مبارزه توده های خشمگین علیه استبداد حکومتی تبدیل شد. فعالان دانشجویی و دیگر فعالان کارگری و اجتماعی، هدایت گر و پرچمدار خواسته ها و مطالبات این جنبشهای عمومی بوده اند. اما با این وجود عمده ترین ضعف این جنبشها، عدم پیوند و همگرایی عملی در سطح وسیع جنبش بود.

یک ماه قبل اعتصابات و اعتراضات نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز برای سازمان یابی و حمایت از تشکل مستقل، نان، کار، آزادی و حاکمیت شورایی و ورود این اعتراضات به خیابان طلسم انفعال و بی تفاوتی جامعه را نسبت به سر نوشت مشترک کارگران و تمام ستمدیده گان شکست و دانشجویان در کنار کارگران اعتصاب فریاد بر آوردند: فرزند کارگرانیم / کنارشان می مانیم!

امسال مراسم برگزاری روز دانشجو حال و هوای به هم پیوستن جنبش طبقاتی با خود دارد و نسیم خوش سالگرد خیزش گسترده دی ماه سال گذشته را با خود دارد.

امسال لایه های گوناگون کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش آموزان آگاه، راننده گان، پرستاران، کارورزان کشاورز و توده های مردم رنج کشیده و ستم دیده سراسر ایران اعم از زن و مرد، فاز نوینی از همگرایی گشوده اند.

امسال زنان و کودکان در صف مقدم مبارزه متحد و متشکل کارگران هفت تپه و فولاد به خیابان آمده اند.

کارگران جهان متحد شویم!

امسال سال به هم پیوستگی جنبش طبقاتی است. حمایت بخشهای وسیع توده ای از خواست ها و مطالبات نیشکر هفت تپه و فولاد فاز نوین جنبش به هم پیوسته طبقاتی را گشوده است.

شعار کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد به پراتیک مبارزه رودررو با سیستم فاشیستی حکومت سرمایه داری اسلامی در آمده است. نهادهای همبستگی در پیشواز چنین فراز فرخنده ای، روز دانشجو را به تمام دانشجویان آگاه و مردم مبارز کشور، شادباش می گوید.

سرنگون با د رژیم سرمایه داری اسلامی ایران

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

جمعه ۱۶ آذر ۱۳۹۷ برابر با ۰۷ دسامبر ۲۰۱۸

سندیکای کارگران شرکت واحد: ناکارآمدی مدیریت در کشور و فرسودگی ناوگان حمل و نقل، فاجعه مرگبار دیگری اینبار در محیط دانشگاه رقم زد!

متأسفانه به دلیل ناکارآمدی مدیریت در کشور اینبار شاهد جان باختن ۱۰ تن و مجروح شدن ۲۷ تن از بهترین فرزندان میهن که اکثر آنها در پایان مقطع تحصیلی ارشد بودند، هستیم. در این سانحه دلخراش راننده اتوبوس نیز جان باخت. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با خانواده های دغدار و جامعه دانشجویان کشور ابراز همدردی می کند و آرزوی صبر و سلامتی برای بازماندگان این سانحه دردناک و غم انگیز دارد.

در رابطه با این سانحه، آنچه مسلم است مسئولان دانشگاه آزاد که به دلیل سودآوری بیشتر، اتوبوس فرسوده را بکار گرفته اند و مسیر تردد اتوبوس را ایمن نکرده اند تقصیر مستقیم دارند. دولت و دیگر سازمان های ذیربط نیز که در رابطه با تعویض وسائل حمل و نقل عمومی و حمایت مالی از چرخه حمل و نقل عمومی مسئولیت دارند، مقصر در پدید آمدن چنین سوانح دلخراش در کشور هستند.

آنچه مسلم است مالکین وسایل حمل و نقل عمومی و حمل و نقل بار به دلیل درآمد ناچیز و تحمیل شرایط سخت بر ایشان نه تنها بدون حمایت دولت قادر به تعویض وسیله نقلیه خود نیستند بلکه از تامین لوازم یدکی ضروری همچون لاستیک و حتی تامین معیشت خانواده خود در مانده اند.

در حال حاضر اتوبوس هایی که در کلان شهر تهران فعالیت می کنند به دلیل سوء مدیریت چه در بخش عمومی (اتوبوس های فرسوده تحت تملک شرکت واحد) و چه در بخش خصوصی در بدترین وضعیت ممکن قرار دارند و حتی اتوبوس ها با وجود پارگی لاستیک و فرسودگی هشتماد درصدی لاستیک در حال جابجایی مسافر هستند و متأسفانه هر لحظه ممکن است سانحه دلخراشی روی دهد.

در بخش حمل و نقل بار نیز به رغم اعتصابات یکسال گذشته کامیونداران، هیچ تمهیداتی برای تامین قطعات یدکی مورد نیازشان به قیمت ارزان و متناسب با درآمدهای صورت نگرفته است و به لحاظ معیشت در وضعیت نامناسبی قرار دارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن هشدار برای افزایش وقوع حوادث مشابه در بخش حمل و نقل مسافر و بار به دلیل فرسودگی ناوگان حمل و نقل عمومی همچنین عدم تعمیر بموقع وسایل نقلیه به دلیل گرانی چند برابری لوازم یدکی و لاستیک، سیاست های غلط و بی عملی دولت را در این زمینه قویا محکوم می کند.

نهادهای همبستگی

جنبش جلیقه های زرد، شورش مردم فرانسه علیه ریاضت اقتصادی و دولت یک درصدی ها!



ما بر آنیم : اکنون بیش از چهار هفته هست که بخشی از تهیدستان شهر و روستا ، به همراه بخشی از افشار متوسط جامعه ، با حمایت اکثریت قاطع مردم فرانسه در اعتراض به سیاستهای دولت مکرون بانکدار ، از مدیران سابق بانک روتچیلد و وزیر سابق دولت حزب سوسیالیست ، دست به اعتراض زده اند ؛ میدین و جاده های بین شهری را بسته اند ، عبور و مرور در شاهراه های محل تردد کامیونهای بزرگ را مختل کرده اند ، در جنگ و گریز با ماموران پلیس و ژاندارمری اند، سعی در بستن پالایشگاهها و مراکز خرید کرده اند ، در خیابان معروف شانزه لیزه ، با سرپیچی از دستور منع تظاهرات ، دست به تظاهرات زده و با ماموران امنیتی درگیر شده اند.

جلیقه زرد ها در یک کلام قدرت مردمی را در مقابل دولت و دستگاه سرکوب او قرار داده اند . بدنه اصلی این مبارزه شاغلین مستقل، کارگران بیکار و یا نیمه وقت ، بازنشسته ها ، حقوق بگیران کم درآمد ، استادکاران ، صاحبان کسب و کار بسیار کوچک به ویژه کسانی که با حمل و نقل سروکار دارند، تشکیل میدهند . علیرغم تنوع خواسته ها ، گاه متضاد ، اصلی ترین خواسته مشترک آنان پس گرفتن مالیاتهای غیرمستقیم اضافی بر سوخت ، لغو افزایش پیش بینی شده نرخ پایه برق و گاز ، افزایش بودجه خدمات اجتماعی ، افزایش قابل توجه حقوق حداقل و... بود . در این جنبش شعارهایی که مستقیماً شخص رئیس جمهور و نیز یک درصدی ها را هدف می گرفتند ، بطور دائم و منظم داده شد . این جنبش یک نه بزرگ به دولت بانکداران و سیاست ریاضت اقتصادی مکرون بود .

با اینهمه اتحادیه های کارگری چپ مثل س ژ ت و سولیدر ، بعد از یک تعلل ، یک هفته ای است که ازین جنبش حمایت کردند و اعضای آنها ، بدون علم و کتل ، کمابیش درش حضور پیدا کردند . ولی بعد تر در شهر تولوز و همچنین مارسی ، برای اولین بار "جلیقه قرمز" های س ژ ت و جلیقه زردها باهم دست به تظاهرات زدند . امیدواریم که این همگرایی هم ادامه پیدا کنه و هم تعمیق یابد . اتحادیه های دانشجویها و دانش آموزان هم دعوت به شرکت فعال کردند .

جدا از این، درین مبارزه آنها همراهی اکثریت قاطع مردم فرانسه را همراه خود دارند چنان که حتی پس از بروز درگیری های شدید میان معترضین با پلیس و ژاندارم و سو استفاده برخی بزهکاران در غارت مغازه ها و آتش زدن اتوموبیلهای مردم عادی و علیرغم تمام تبلیغات ، دروغگویی های مدافعان دولت و تمرکز رسانه ها به روی خشونت ، شدت آن تا مدتها کاهش پیدا نکرد . پس از سه هفته سکوت و لال ماندن ، مکرون به تلویزیون آمد و در مقابل فشار جنبش اعتراضی - شورشی ، امتیازاتی را داد . این اولین بار در دولت ۱۸ ماهه او بود که مکرون عقب نشینی می کرد . تا پیش ازین او

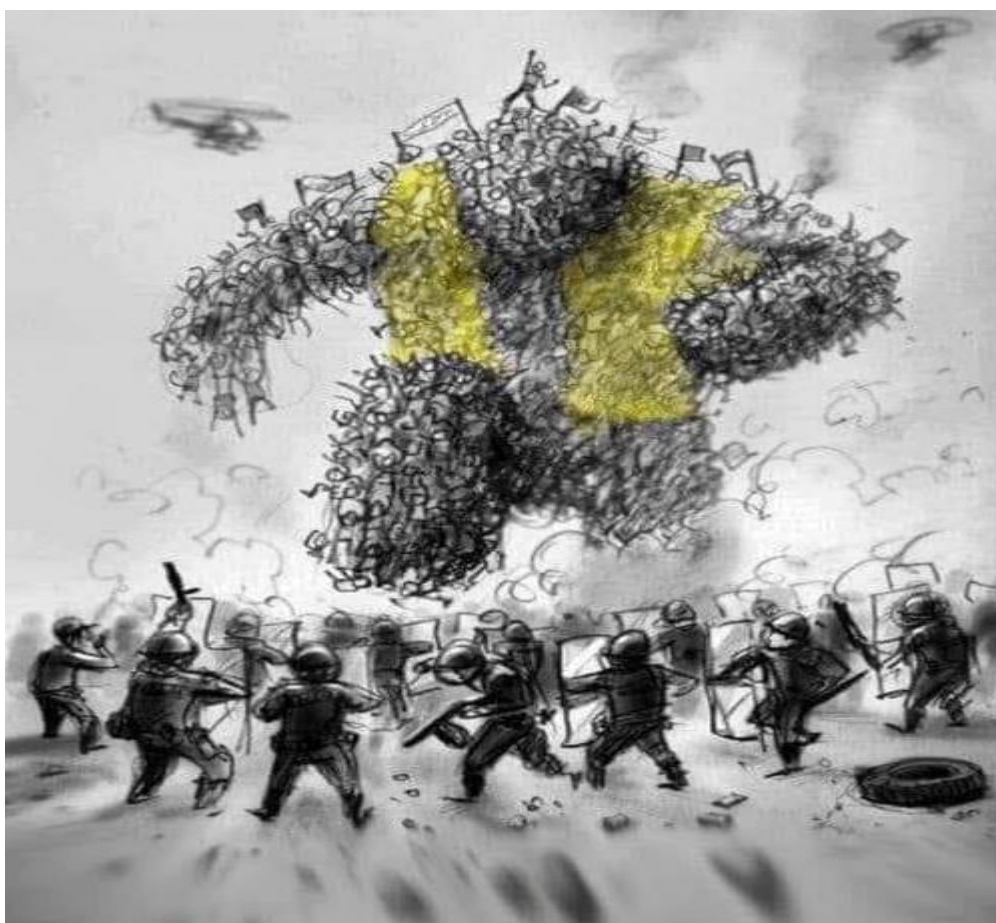
کارگران جهان متحد شویم!

در مقابل جنبش کارگری، نه بهنگام اصلاح ارتجاعی قانون کار، نه در برابر اعتصابات کارکنان راه آهن، عقب نشینی نکرده و قدرت خود را با ژوپیتز مقایسه کرده بود که در مقابلش هیچ مقاومتی ممکن نیست در نتیجه این عقب نشینی، هرچند ناکافی دولت مکرون در برابر جلیقه زردها، یک پیروزی بزرگ و نقطه عطفی در مبارزات اردوی کار و متحدان او بشمار میرود. پیروزی ای که تاثیر مثبت بسزایی در روحیه مبارزات کارگران و حقوق بگیران فرانسه خواهد گذاشت. به نقد جنبش دانش آموزان و دانشجویان دوباره به راه افتاده و خواسته های خود را بار دیگر به میدان آورده است

جدا از موارد بالا باید اضافه کنیم؛ از سال ۱۹۹۵ و پیروزی جنبش کارگران علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی دولت ژاک شیراک بدینسو، تا کنون جنبش کارگران و محرومان فرانسه دولت را به چنین عقب نشینی آشکار و مفتضحانه ای وادار نکرده بود. بدیهیست که این تنها آغاز مبارزه است و هنوز می بایستی در تدقیق خواسته ها و کسب آنان کار و مبارزه سنگینی را به پیش برد. بخش سازمان یافته جنبش کارگری فرانسه می بایستی در کنار این جنبش وارد کارزار جدیدی بشود. اولین اقدام در این راستا حمایت همه اتحادیه های کارگری، علیرغم تردیدهای اولیه که ناشی از حضور و تبلیغات عناصر راست افراطی درین جنبش عظیم بود، ازین جنبش، اولین اقدام است. می بایستی در جهت همگرایی جنبشهای جلیقه زردها، کارگران اتحادیه ها، دانش آموزان، دانشجویان، بازنشسته ها... اقدامات عملی معینی را طرح ریزی کرد تا به دینامیک به راه افتاده شده یاری و توان لازم برای ادامه کاری به این جنبش بدهند. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور، این پیروزی بزرگ را به همه کارگران، حقوق بگیران و تهیدستان شهر و روستای فرانسه تبریک میگوئیم و خود را به تمامی در کنار این مبارزه می دانیم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

یکشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۷ برابر با ۱۶ دسامبر ۲۰۱۸



عسل محمدی آزاد شد!

عسل محمدی دانشجویی که در ارتباط با مسایل کارگران هفت تپه بازداشت شده بود، امروز و پس از انجام تشریفات نفسگیر و آزاردهنده تودیع وثیقه سنگین چهارصد میلیون تومانی آزاد شد. عسل محمدی حدود یک ماه قبل در تهران دستگیر شد و نخست به شوش و سپس به بازداشتگاه اطلاعات در اهواز منتقل شد. وی طی مدت یک ماه، تحت بازجویی و آزار و اذیت فراوان قرار گرفت و نهایتاً و پس از تعیین وثیقه سنگین پانصد میلیونی، از بازداشتگاه اطلاعات به بازداشت گاه سپیدار در اهواز منتقل شد. نامبرده به علت عدم امکان خانواده برای تودیع وثیقه، چندین روز بیشتر در حبس ماند تا نهایتاً با تقلیل مبلغ وثیقه از پانصد میلیون به چهارصد میلیون تومان، خانواده اش موفق به تودیع وثیقه شدند و امروز، شنبه، به طور موقت آزاد شد.

قابل ذکر است که چندین روز خانواده عسل محمدی به علت سنگین بودن مبلغ وثیقه در حال جستجو برای تهیه کردن وثیقه بودند و توان آنرا نداشتند. در این فاصله و طی روزهای جستجو برای تامین وثیقه، عسل محمدی در شرایط نامساعدی به صورت اضافه در زندان نگهداری شد.

ما ضمن تبریک آزادی عسل محمدی که تنها و تنها برای همدلی با کارگران هفت تپه دستگیر شده است، آزار و اذیت انجام شده بر بازداشت شدگان هفت تپه را محکوم میکنیم و خواهان آزادی بازداشتی دیگر، آقای علی نجاتی و مختومه شدن تمام پرونده های امنیتی موجود برای بازداشت شدگان هفت تپه منجمه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر نمایندگان کارگری هستیم.



وضعیت جسمانی علی نجاتی خطرناک می باشد.

روز شنبه ۸ دیماه، خانواده علی نجاتی موفق به دیدار غیر حضوری با این کارگر زندانی شدند.

بنابر این گزارش علی نجاتی از نظر جسمی به شدت لاغر و رنگ پریده بوده است. علیرغم بیماری و شرایط سنی، او در دوران بازجویی بسیار مورد اذیت و ازار قرار گرفته به طوری که به خاطر وخامت اوضاع جسمی، در دوران بازجویی به بیمارستان منتقل شده بود. با توجه به این شرایط هنوز وضعیت پرونده جدید علی نجاتی مشخص نیست و این کارگر سندیکایی به بند شلوغ منتقل شده است.

ازدحام زیاد جمعیت و همچنین دود سیگار برای علی نجاتی که مبتلا به بیماری قلبی است بسیار مضر و خطرناک است.

شرایط علی نجاتی به گونه ای است که محیط بسته، بیماری او را تشدید می کند. اما مسئولین امنیتی علیرغم دانستن این موضوع همچنان وی را در زندان نگه داشته اند در حالی که طبق قانون، با توجه به بیماری حتماً بایستی حکم زندان باز در رابطه با وی اجرا شود. اما مامورین امنیتی برای عدم اجرای این قضیه برای علی نجاتی پرونده جدیدی را باز نموده اند که هنوز قرار و وضعیت آن مشخص نیست. در واقع علی نجاتی عملاً به صورت غیرقانونی در زندان نگه داشته شده است.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه تداوم بازداشت علی نجاتی، کارگر بازنشسته و عضو سندیکای کارگران هفت تپه را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط نامبرده می باشد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۸ دیماه ۱۳۹۷



تداوم بازداشت کارگران فولاد اهواز

انتقال شش تن از بازداشت‌شدگان به زندان شیبان

علی‌رغم وعده مسئولان قضایی اهواز، مبنی بر صدور دستور آزادی همه بازداشت‌شدگان فولاد اهواز، کماکان هفت تن از این کارگران در بازداشت به سر می‌برند. همچنین روز جاری ۶ تن از کارگران بازداشتی از بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز به زندان مرکزی اهواز منتقل شدند.

غریب حویزآوی، مصطفی عبیات، کاظم حیدری، کریم سیاحی، طارق خلفی، سید میثم علی قنواتی از اداره اطلاعات اهواز به زندان شیبان منتقل شدند و بهزاد علیخانی کماکان در بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز بسر می‌برد.



گزارش کارگران ملی صنعتی فولاد از وضعیت شرکت

در روزهای گذشته و بعد از بازداشت همکاران آقای نعمت زاده در محل شرکت و حتی قبل از آن در محیط شرکت به راحتی ماشینهای شخصی اطلاعات را می شود دید. کمتر کارگری است که اینروزها در فولاد اهواز ماشینهای شیشه دودی اطلاعات (پرشیا سفید، سمند سفید، تندر نود سفید) را ندیده باشد. این ماشینها در شرکت دور می زنند و ما کارگران، لباس شخصیهایی که با یونیفورم کارگری در خطوط تولید دور می زنند و جاسوسی می کنند را می بینیم و حتی دم در ورودی همیشه یک لباس شخصی اطلاعاتی حضور دارد.

بعضی از کارگران می گویند که چندین ماشین سپاه را در پایگاه شهرک نورد دیده اند که آماده باش هستند.

بخش تیرآهن خط 630 و لوله سازی راه افتاده اند، اما شاید برای يك یا دوماه و ما چشم اندازی برای ادامه کار نمی بینیم. در اصل می خواهند فقط چند ماه ما را سرگرم کنند و ما را از هدف اصلی مان که راه اندازی شرکت و تضمین شغل و آینده ی زندگی همگی است دور کنند. به همین دلیل با دستگیری همکاران مان و ایجاد ترس و وحشت سعی دارند به این هدف برسند.

ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد وجود نیروهای امنیتی در شرکت را محکوم می کنیم. نیروهای امنیتی جایی در شرکت ندارند شرکت پادگان نیست. مشکل ما فقط حقوق معوقه نیست ما می خواهیم تولید در شرکت راه اندازی شود و شغل ما تضمین شود.

۱۶ دی ۱۳۹۷



پیام کارگران فولاد به استاندار خوزستان ما دست شما را خوانده ایم!

ما فولاد مردان فولاد برای کار و نان به خیابانها سرازیر شدیم، ما 38 روز فریاد زدیم، همه مردم ایران و جهانیان صدای حق خواهی ما را شنیدند و با ما همدردی کردند. اما مسئولین مملکتی و استاندار بی لیاقت که هر روز در مقابل تختگاهش فریاد حق خواهی سر میدادیم صدای بر آمده از حنجره های پاره شده ما را شنید و خود را به نشنیدن زد و دست آخر 43 نفر از یاران ما را نیمه های شب در مقابل چشمان همسران و فرزندان خردسالشان به طرز وحشیانه ای به زنجیر کشید.

ده روز از آن روز گران میگذرد و هر روز با وعده پشت سر وعده برای آزادی یارانمان وقت کثی می کنند تا این غیور مردان پولادین اراده را به قول خودشان نصیحتی کرده باشند، نصیحتی از جنس انفرادی و چشمان بسته و ممنوع الملاقاتی برای زدن اتهامات بی اساس.

ما دست شما را خوانده ایم دست شما مدتهاست برای ما رو شده است شما نه پشت سر مافیا بلکه خود مافیا هستید. شما ستمگرانی هستید که غیور مردان فولاد را برای خواستن کار و نان به زنجیر کشیده اید و با چشمان بسته در انفرادیها مشغول زدن اتهامات بی اساس به آنان هستید.

اگر حضرات مافیای سرمایه دار و دولت پشتیبانشان فکر کرده اند ما را تنها در سر گردنه گیر آورده اند و میتوانند زبان از کام ما در کشند و همکاران شریف ما را به کتیف ترین اتهامات که شایسته خودشان است متهم کنند باید بدانند سخت در اشتباهند باید بدانند ما در مقابل کوره های داغ و آتشین نان عرق جبین خورده ایم باید بدانند ما فرزندان گدازه های آهنیم و اتهامات کثیفی که فقط و فقط شایسته مافیایی است که یکی پس از دیگری کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور را به تعطیلی کشانده و در صدد تحویل دادن زمین سوخته ای از ملک گران ایران زمین به نسلهای بعدی است. شما در حال سوء استفاده از صبر و طاقت ما هستید. شما با خرید زمان از طریق آزادی روزی دو سه نفر از همکارانمان در تلاشید تا شیرمردترین شیرمردان فولاد را با زدن اتهامات واهی و بی اساس در هم شکنید تا درس عبرتی برای همه ما فولادیان شود.

اما بدانید و آگاه باشید اسپرانی که از ما گرفته اید پولادین اراده های سرزمین فولادند و ما یاران آنها همان مردانی هستیم که 38 روز لرزه بر اندام مافیا انداختیم بدانید و آگاه باشید چنانچه صبر ما از نامردی نامردمانی چون شمایان لبریز شود بزودی بار دیگر غرش کنان خیابانهای اهواز را در هم خواهیم نوردید و از گذاشتن سر در راه عهد و پیمان با یاران در بندمان دریغ نخواهیم کرد.



اعلام همبستگی کارگران صنایع فولاد آرژانتین با کارگران معترض در ایران



کارگران فولاد "ارسلور میتال" و کارگران شرکت فولاد "ترنیوم- سیدرار - "ارژانتین ، بزرگترین شرکت‌های فولاد آرژانتین به همراه گروهی از کارگران معدن در بولیوی با ابراز همبستگی با کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه ، خواستار آزادی کارگران زندانی و محقق شدن مطالبات کارگری در ایران شدند.

پیام از طرف کامیونداران و رانندگان خوزستان در حمایت از کارگران گروه فولاد اهواز و ضرورت فوری آزادی دستگیر شدگان!

به اطلاع میرسانیم کامیونداران و رانندگان خوزستان حمایت خود را از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز اعلام میکند. و هرگونه اعمال فشار و دستگیری را از طرف نیروهای انتظامی و دولتی نسبت به کارگران محرومی که تنها به دنبال خواسته‌های به حق خود میباشند را محکوم میکنیم. همچنین خواهان فوری دستگیر شدگان شب گذاشته هستیم.

کامیونداران و رانندگان خوزستان

مهدی یراحی تا اطلاع ثانوی ممنوع کار شده است؟

دفتر موسیقی وزارت ارشاد طی تماسی با گروه مهدی یراحی اعلام کرده که تا اطلاع ثانوی اجازه کار ندارند و دلیل آن انتشار یک ترانه بدون مجوز اعلام شده است. مهدی یراحی بتازگی آهنگی اجتماعی انتقادی با نام "پاره سنگ" منتشر کرده است. این خواننده همچنین در تازه ترین کنسرت خود که در تاریخ ششم دی ماه در دو سانس در تالار آفتاب شهر اهواز برگزار شد در لباس کارگران گروه ملی به روی صحنه رفت.



پایان موفقیت آمیز پنجمین دور اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان سنگین

کامیونداران و رانندگان محترم،

همکاران شریف و غیور و گرامی،

قبل از هر چیز باید از همه‌ی شما تقدیر و سپاسگزاری کرد و باید به تک تک شما همکاران عزیز که با تلاش بی وقفه و با سرفرازی اعتصاب ۱۰ روزه خود را با وحدت و یکپارچگی ادامه دادید، دست مریزادگفت. این اعتصاب یک بار دیگر به حکومت نشان داد که ما رانندگان کامیون و خودروهای سنگین و کامیونداران مصمم هستیم و از حقوق مان کوتاه نمی آییم. پس از اینکه ما در ۲۱ آذر اعلام کردیم که یک اعتصاب ۱۰ روزه را از اول دی ماه آغاز خواهیم کرد، ارگانهای حکومتی و وابسته به حکومت از هیچ کارشکنی و اقدام سرکوبگرانه و تهدیدی فروگذار نکرد. اما علیرغم همه آنها در این اعتصاب ما از وحدت و همیاری کم نظیری برخوردار بودیم. شما با غیرتی ستودنی از حقوق همه‌ی کامیونداران و رانندگان دفاع کردید. چنین بود که اقشار مختلف مردم ستمدیده‌ی ایران حمایت خودشان را از اعتصاب ما اعلام کردند. علاوه بر آن، اعتصاب ما از حمایت اتحادیه‌های کارگری و رانندگان و کامیونداران در کشورهای مختلف نیز برخوردار شد. همزمانی اعتصاب ما با اعتراضات کشاورزان اصفهان، تظاهرات دانشجویان در تهران و حرکات اعتراضی سایر اقشار مردم ستمدیده، ما را در پایداری برای رسیدن به خواسته‌هایمان مصمم تر کرده است.

وعده‌های دروغ و تهدید حکومت:

روز ۲۵ آذر وزیر راه و شهرسازی گفت: مواد اولیه تولید لاستیک با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود. اما خبری نشد. روز ۲۶ آذر در مجلس لایحه بازنشستگی رانندگان کامیون تصویب شد که مانند گذشته حقوق حداقل و اولیه ما نادیده گرفت. روز ۲۸ آذر جلسه‌ای با حضور علی لاریجانی رئیس مجلس به مناسبت هفته حمل و نقل تشکیل شد که فقط جنبه تبلیغاتی برای حکومت داشت و برای ما هیچ چیزی نداشت. اول دیماه اعلام شد که در آزاد راهها، کامیونداران از عوارض معاف هستند. اما فقط یک روز اجرا گردید و مجدداً وضع به روال گذشته بازگشت.

همزمان با این وعده‌ها، پیامهای تهدیدآمیز و تهدید کم کردن سهمیه سوخت برای تعدادی از همکاران ما ارسال شد. همکاران غیور ما فریب وعده‌های دروغ را نخوردند و از تهدیدهای توخالی بیمی به دل راه ندادند و با سرفرازی اعتصاب ده روزه خود را ادامه دادند.

همکاران شریف

ما به این وسیله امروز: دهم دیماه، پایان موفقیت آمیز پنجمین دور اعتصاب کامیونداران و رانندگان سنگین را اعلام می‌کنیم. این اعتصاب البته مقدمه حرکتها و اعتراضات بعدی ما تا رسیدن به حقوق حقه مان می باشد. بعد از مشورت با عموم همکاران در مورد اقدامات بعدی، تصمیم گرفته خواهد شد. ما تا رسیدن به خواسته‌های مان همراه و همگام با سایر اقشار ستمدیده ایران، از پا نخواهیم نشست.

اتحادیه تشکل های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران

۹۷/۱۰/۱۰



بای صحبت رانندگان و کامیون داران
میخواهی حقو بگیری کسی جوابگو نیست
اعتصاب میکنی میکن اقدام علیه امنیت ملی
خوب عرضه حل مشکلات و نذارین جمع
کنید برید دیگه

این است شعار کامیونداران

و رانندگان اعتصابی

میجنگیم میمیریم

حقوقمون میگیریم



سوال: چرا اعتصاب؟؟؟



جواب: اعتصاب ابزار مشروع و قانونی هر قشر و گروهی
است که نفرات آن قشر، چرخهای زندگی شان از حرکت
باز ایستاده یا چشم انداز باز ایستادن دارد
اعتصاب یک وسیله حق خواهی است که در تمام دنیا به رسمیت
شناخته شده تا حق و حقوق هر کسی سر جای خودش قرار بگیرد
اعتصاب زمانی صورت میگیرد که حرفها و درخواستها راه به
جایی نبرده و راهی به جز آن باقی نگذاشته اند

تعداد پرستاران در ایران یک چهارم متوسط استاندارد جهانی است!

معاون توسعه و مدیریت منابع انسانی سازمان نظام پرستاری با اشاره به سختی کار پرستاری گفت: تعداد پرستاران در ایران یک چهارم استاندارد متوسط دنیا است و در این زمینه با کمبود جدی مواجهیم. وی افزود: در حالی که بیشترین خدمات به بیماران در بیمارستانها و مراکز درمانی توسط پرستاران ارائه می شود، در کشور ما به ازای هر یک هزار جمعیت، یک و نیم پرستار وجود دارد. بر اساس گزارش فوق؛ تعداد پرستاران در ایران ۱/۴ استاندارد جهانی و حقوق آنان ۱/۴ خط فقر است.



محرومیت پرستاران از حقوق و مزایای مناسب و استاندارد، چه در زمان اشتغال و چه در هنگام بازنشستگی علیرغم کار سخت و پراسترس!

- حقوق بالای خط فقر
- درمان رایگان
- مسکن مناسب، خواسته ماست!

تجمع فرهنگیان شاغل و بازنشسته استان اردبیل



مکان: مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان
زمان: پنجشنبه ۲۰ دیماه ساعت ۱۰ صبح

خواسته‌های ما:

- ۱- یکسان سازی حقوق بازنشستگان و شاغلین
- ۲- تامین بیمه کارآمد
- ۳- افزایش حقوق معلم به بالای خط فقر
- ۴- اجرای طرح رتبه‌بندی
- ۵- ایمن سازی و نوسازی مدارس
- ۶- آموزش رایگان برای همه دانش آموزان
- ۷- آزادی معلمین زندانی

بازنشستگان و مستمری بگیران!

حال که عزم و اراده ای از طرف مسئولین در تامین معیشت یک زندگی مناسب توام با رفاه و سلامت برای خود نمی بینیم و حاکمیت همچنان با بی اعتنائی پاسخی به مطالباتمان نداده است، در آستانه تدوین بودجه ای که تصویب آن هم اکنون در جریان است بار دیگر به خیابان می آئیم.

بودجه ای که می بایست تقسیم عادلانه ثروت اجتماعی برای بهبود شرایط زندگی و رفاه و پیشرفت عمومی باشد، سهمی برای ما ندارد. تولیدکنندگان ثروت، بی نصیب از این بودجه همچنان شاهد استمرار قانونی نمودن فقر و فلاکت در ابعادی ویرانگرند. این بودجه برای سروسامان دادن امور حکومتیان و سهم بری دستگاه ها و نهادهای درون دایره قدرت تنظیم شده است. نه برای رفاه عموم مردم. ما بازنشستگان همه صندوق ها، برای دستیابی به مطالبات زیر بار دیگر به خیابان می آئیم. با گامهای راسخ و استوار. چرا که بارها هشدار داده ایم « تا حق خود نگیریم از پای نمی نشینیم:»

1- ارتقاء سطح دریافتی حقوق بگیران و مستمری بگیران به میزان بالاتر از خط فقر کارشناسی شده متناسب با هزینه زندگی استاندارد امروزی.

2- تهیه و تدوین بودجه سالیانه بر مبنای حمایت از منافع مزدبگیران و تامین منابع مالی لازم برای تضمین یک زندگی مناسب بازنشستگان. همترازی حقوق بازنشستگان با شاغلین با اجرای کامل ماده 64 و 125 قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال 86

3- توقف تعرض به منابع و امکانات صندوق ها. اعاده منابع صندوقهای بازنشستگی و جبران خسارت و استرداد بدهی های دولت به صندوق ها و ایجاد سازوکار مناسب به منظور کنترل و نظارت بر آنها توسط منتخبین واقعی بازنشستگان

4- لغو بیمه های تکمیلی و برقراری بیمه کارآمد و رایگان

5- توقف سیاست و برنامه های خصوصی سازی در عرصه های تولید، آموزش، بهداشت و درمان و خدمات عمومی

6- توقف روند پرونده سازی و پیگردهای قضایی و امنیتی برای فعالین صنفی و اجتماعی و آزادی فوری وی قید و شرط کلیه فعالین صنفی و اجتماعی.

7- برسمیت شناختن حق ایجاد تشکل های مستقل بازنشستگان

با توجه به مطالبات مشخص و بارها اعلام شده ی فوق، و همچنین تجارب تاکنونی خود دریافته ایم که مذاکره با دولت مردان نتیجه ای جز وعده و وعیدهای توخالی نداشته است و توجه و اقدام عملی برای بهبود شرایط زندگی ما بر عهده آنهاست. بازنشسته ای که مجوز تشکل مستقل را ندارد نماینده ای هم ندارد.

ما اعلام می کنیم چنانچه پاسخ عملی درخور به خواسته های ما داده نشود استمرار تجمعات و اعتراضات برای پیگیری مطالبات خود را حق قانونی و طبیعی خود می دانیم.

وعده ما روز چهارشنبه 12 دی ماه ساعت 10 صبح مقابل مجلس شورای اسلامی

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

گروه بازنشستگان تامین اجتماعی

شورای بازنشستگان ایران

تحصن اعتراضی در مقابل مجلس

به فراخوان چند تشکل شناخته شده ی بازنشستگان، امروز چهارشنبه ۱۲ دیماه ۱۳۹۷، شمار زیادی از بازنشستگان در اعتراض به لایحه بودجه سال ۹۸ و پیگیری مطالبات خود در مقابل مجلس بهارستان تجمع کردند.

جمعیت که از ساعت ۱۰ صبح حضور پیدا کرده و هر لحظه به تعداد آن ها اضافه می شد، با شعارهای روشن و کوبنده ی خود، دولت و مجلس را خطاب قرار دادند و لایحه ی بودجه را سندی برای تعمیم فقر و فلاکت برای کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه ی اقشار مزدبگیر دانستند.

جمعیت حاضر در تجمع، با شعارهایشان، نگرانی و اعتراض را فریاد زدند. در بخشی از شعارها آمده بود:

- معیشت، سلامت حق مسلم ماست.

- فریاد فریاد، از این همه بیداد

- دولت خیانت می کند، مجلس حمایت می کند.

- مجلس به این بی غیرتی، هرگز ندیده ملت.

- بازنشسته بپا خیز، علیه ظلم و تبعیض.

- حقوق های نجومی، فلاکت عمومی.

__ظلم و ستم کافیه، سفره ی ما خالیه.

- معلم زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

- دولت سرمایه دار، حرف حالیش نمی شه.

- اسلام را پله کردند، مردم را ذله کردند.

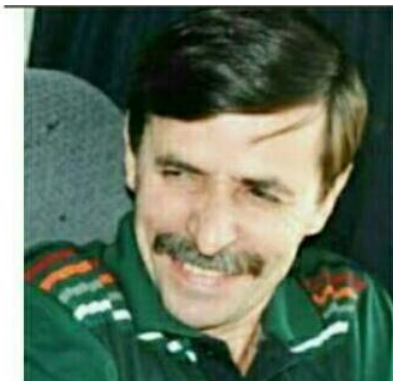
جمعیت، به صورت خودجوش و فی البداهه با شعار « معلم، کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد»

که در حقیقت جواب نیروهای امنیتی به دستگیری دیروز تعدادی از دانشجویان و مردم در میدان انقلاب تهران بود، خشم و نفرت خود را بر زبان آوردند. در لحظه های پایانی این تجمع، شعار: « تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم.» طنین انداز شد.

حکم ۷ سال و نیم حبس «محمد حبیبی» قطعی شد!

وکیل مدافع محمد حبیبی - فعال صنفی معلمان- گفت که حکم صادره برای موکلش از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب، در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران عینا تایید شده است. حسین تاج در گفت‌وگو با ایسنا از تایید حکم ۷ سال و نیم حبس موکلش در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر خبر داد و گفت: متأسفانه رای محکومیت محمد حبیبی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب عینا در دادگاه تجدیدنظر استان تایید شد.

محمد حبیبی ۲۰ اردیبهشت ۹۷ در تجمعاتی که فرهنگیان به مناسبت هفته معلم داشتند بازداشت و روز دوشنبه ۱ مرداد ماه ۹۷- در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب محاکمه شد. این شعبه محمد حبیبی را به اتهامات اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و اخلال در نظم به ترتیب به ۷ سال و نیم حبس، ۱۸ ماه حبس، ۱۸ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کرد که البته بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۷ سال و نیم حبس درباره او قابل اجرا خواهد بود. دادگاه همچنین به عنوان مجازات تکمیلی، محمد حبیبی را به ۲ سال ممنوعیت از فعالیت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی و اجتماعی و ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرده است.



معلم زندانی آزاد باید گردد!

بیانیه

احکام ظالمانه و تحقیرآمیز علیه کارگران پتروشیمی ایلام محکوم است.

روز چهارشنبه 14 آذر 1397 اعلام شد که برای ۱۵ تن از کارگران پتروشیمی ایلام جمعا ۹ سال حبس و ۱۱۱۰ ضربه شلاق صادر شده است. این کارگران همراه همکاران و جوانان منطقه در اردیبهشت ماه سال جاری به مدت چندین روز در اعتراض به عدم استخدام کارگران محلی و همچنین اخراج ۱۱ تن از پرسنل با سابقه پتروشیمی ایلام، در مقابل ساختمان این شرکت در شهر چوار اعتصاب کرده بودند.

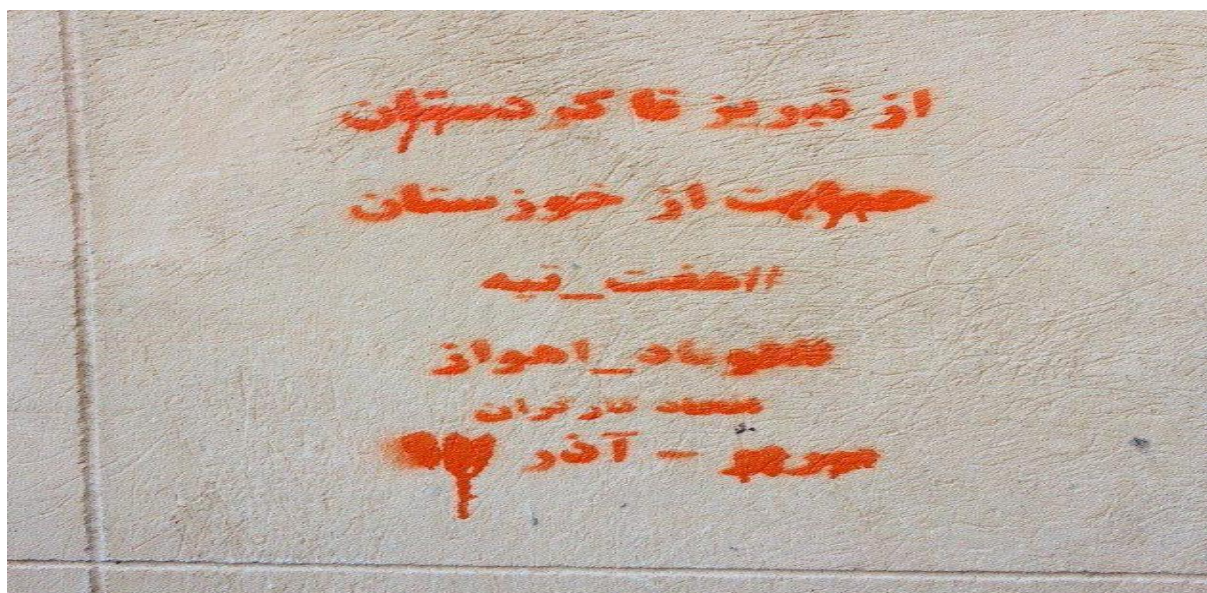
بر متن بحران عمومی بیکاری در ایران، جوانان این خطه ضریب بالایی از نرخ بیکاری در جامعه را تحمل میکنند. در نتیجه با برگزاری تجمعی آرام در اردیبهشت ماه درخواست بازگشت به کار و اولویت دادن به استخدام آنان در همین فرصت های اندک شغلی شده بودند اما با حکم زندان و شلاق مواجه شده اند.

این در حالی است که رسانه ها، از ایلام به عنوان پایتخت خودکشی نام می‌برند، عامل اصلی خودکشی جوانان این منطقه بیکاری است.

شورای بازنشستگان ایران، صدور چنین احکام ظالمانه و غیر قانونی حبس همراه با حکم تحقیر آمیز و قرون وسطائی شلاق برای کارگران پتروشیمی ایلام و جوانان جویای کار و محروم این منطقه به اتهام واهی «اخلال در نظم و آسایش عمومی» را شدیداً محکوم کرده و خواهان ابطال و رفع تعقیب قضائی از آنان است.

کارگران مبارز نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز نشان دادند که دیگر سیاست سرکوب مانع پیشروی کارگران ایران در دستیابی به مطالباتشان نخواهد بود و صدور چنین احکامی خللی در عزم و اراده کارگران ایران برای تغییر شرایط موجود نخواهد داشت. کارگران پیروزی را تصمیم گرفته اند.

پیروز باد همبستگی سراسری کارگران، معلمان، بازنشستگان و دانشجویان.
شورای بازنشستگان ایران



شورای اسلامی کار، یک تشکل ضد کارگری است!

کارگران و هم سرنوشتان عزیز؛

کارفرمایان و صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه در ایران یک بار دیگر نشان دادند که به جای جوابگویی به خواست و مطالبات به حق کارگران، راهی جز فریب و سرکوب نمی شناسند. کارگران هفت‌تپه، یک‌ماه در سخت‌ترین شرایط در محیط کارخانه و در سطح شهر شوش، برای دست‌یابی به خواست‌های خود دست به اعتراض و اعتصاب زدند. هدف از این اعتراضات این بود که دولت و نهاد‌های ذی‌ربط به خواست و مطالبه به حق کارگران رسیدگی کنند.

اما آنها به جای پاسخ‌گویی به مطالبات کارگران، نمایندگان کارگران را بازداشت، زندانی و مورد اذیت و آزار قرار دادند. تجربه تا کنونی کارگران در هفت‌تپه نشان داده است که دولت، در حمایت همه‌جانبه از صاحبان سرمایه از هیچ‌کمی دریغ نکرده است. سرکوب مستقیم، تنها بخشی از سیاست‌های ضد کارگری است، بخش دیگر این سرکوب، تحمیل و ایجاد نهاد‌های دست‌ساز و کارفرمایی در محیط کار می‌باشد. شورای اسلامی کار، یکی از این نهاد‌های ضد کارگری و سرکوب‌گر است. نقش شورای اسلامی کار، مهار و به انحراف کشاندن خواست و مطالبات کارگران بوده و در بسیاری از موارد دیده شده است که شورای اسلامی کار، کارگران معترض را شناسایی و به نهاد‌های امنیتی معرفی کرده است.

در سال ۸۷ وقتی کارگران هفت‌تپه خواستار ایجاد تشکل مستقل کارگری بودند، حامیان سرمایه تلاش کردند که این به ظاهر تشکل کارگری!! یعنی شورای اسلامی کار را به جای تشکل مستقل، به کارگران معرفی کنند، که خوشبختانه تلاش مذبحانه آنها شکست خورد و کارگران هفت‌تپه، تشکل مستقل سندیکایی خود را ایجاد کردند.

در روز دوشنبه ۱۰ دی ماه ۹۷ یک بار دیگر نهاد‌های ضد کارگری با همکاری تعدادی از افراد ناآگاه، سست‌عنصر و فریب‌خورده و بعضی از افراد که مورد تطمیع قرار گرفته‌اند، این نمایش مضحک را به اجرا در آوردند.

هر چند که این خیمه شب‌بازی، با استقبال عمومی کارگران روبرو نشد، اما نشان داد که دشمنان طبقه کارگر از هر فرصتی استفاده خواهند کرد تا صف مستقل و همبستگی کارگران را به انحراف بکشانند. کارگران آگاه می‌دانند که شورای اسلامی کار، نه تشکل کارگری است و نه ربطی به منافع کارگران دارد بلکه وظیفه شورا‌های اسلامی کار، در بسیاری از موارد، معرفی کارگران معترض به نهاد‌های امنیتی می‌باشد.

شورای اسلامی کار، یک تشکل ضد کارگری است که پرونده این نهاد حکومتی برای بسیاری از کارگران شناخته شده است.

شورای اسلامی کار، بر اساس ماهیت وجودی آن، تنها در خدمت کارفرما و نهاد‌های ضد کارگری قرار دارد و آنجا که کارگران خواستار دست‌یابی به حقوق خود بوده‌اند، این تشکل دست به شناسایی و سرکوب کارگران زده که نمونه آخر آن حمله به کارگران شرکت واحد و ضرب و شتم کارگرانی بودند که خواستار ایجاد تشکل مستقل و سندیکایی بودند.

کارگران عزیز؛

از اینکه بار دیگر نقشه و توطئه نهاد های ضد کارگری را با عدم حضور خود، با شکست مواجه کردید جای تشکر دارد.

اما از همین جا لازم است افرادی که آگاهانه و یا از سر استیصال، خود را نماینده این خیمه شب بازی کردند باید گفته شود که هنوز دیر نشده و با انصراف از این نهاد ضد کارگری، به صف کارگران برگردید. و همچنین باید دست مریزاد گفت به افرادی که با توجه به فشار های امنیتی، خود را برای این خیمه شب بازی کاندید نکردند و شرافت و کرامت و حرمت خود و دیگر کارگران را حفظ کردند؛ درود بر شما.

کارگران عزیز؛

این توطئه شکست خورده رسوا تر از آن است که بتواند جوابگوی خواست و مطالبات کارگران باشد. در این میان تنها شرم برای کسانی باقی خواهد ماند که به خاطر منافع شخصی، منافع عمومی کارگران را زیر پا می گذارند و همچنان به عنوان عروسک های این خیمه شب بازی به نقش عروسکی خود ادامه می دهند.

زنده با تشکل های مستقل از دولت و کار فرما

زنده باد شرافت کارگری در راستای منفعت عمومی کارگران ایران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۴ دی ماه ۱۳۹۷

شورا را باید زندگی کرد!

ایده ی شورا و کارجمعی ، ایده ای است که بارها و بارها در جوامع مختلف تکرار شده. ایده ای که از دل شرایط عینی زندگی مزدبگیران و تلاششان برای یک زندگی بهتر شکل گرفت و عروج کرد. این قدرت متحد جمعی که بر همسرنوشتی عمومی از پائین استوار است ، بارها به زور، خلع ید و پس رانده شد اما هرگز نمرد. پس از انقلاب 57 با شعار "شورا پورا مالیده" تعرضی گسترده علیه جنبش شورائی که از دل انقلاب برخاسته بود، را شروع کرده و موفق شدند موقتا " آنرا خاموش کنند .

شورا بعنوان اجتماعی ترین شیوه ی کنترل و اراده مستقیم و بی واسطه عموم در دخالتگری بر سرنوشت خودشان است .

برای پیش بردن مطالبات معیشتی و ضرورت دخالتگری تک تک ما برای بهبود شرایط زندگی ، راهکار شورائی همراه با مجامع عمومی، بستر اصلی قدرت یابی مزدبگیران جامعه در مقابل تعرض دائم دولت ها به منافع شان است . این ایده در سطح اجتماعی هم در برابر نظریه دموکراسی پارلمانی و انتخابات چندسال یکباریست که در آن عموم مردم حق دارند کسانی را انتخاب کنند که ادامه استثمار بر اکثریت را برای چندسال بعد هم تضمین کنند . شورای بازنشستگان بر اساس این ایده، برای دفاع از سطح زندگی و بهبود مستمر آن مشارکت همگانی را طلب میکند. شورا را باید زندگی کرد.

دروغ و تقلب باز هم حماسه آفرید!

پس از اینکه دیروز، انتخابات شورای اسلامی کار، توسط کارگران هفت تپه تحریم شد و بیشتر آرا هم باطله بود که اکثراً در آن به عنوان اعتراض به انتخابات شورای اسلامی نام اسماعیل بخشی نماینده محبوب و واقعی کارگری در رای ها نوشته شده بود و با وجود اینکه نهادهای امنیتی و دولتی تمام تلاش خود را کردند که با تمدید زمان انتخابات تا آخر شب بلکه تعداد آرا را به حد نصاب برسانند، امروز صبح طی یک اقدام متقلبانه تعداد رای ها چندین برابر مقدار واقعی اعلام شد و بدین ترتیب باز هم دروغ و تقلب، حماسه آفرید!

در روزهای قبل نهادهای امنیتی و دولتی تلاش کردند نام اسماعیل بخشی را در لیست کاندیداهای شورای اسلامی بگذارند که مورد اعتراض وی قرار گرفت و دولتی ها موفق نشدند از نام اسماعیل بخشی در این بازی سو استفاده کنند؛ سایر نمایندگان پیشین در مجمع نمایندگان با چاشنی تهدید و نیز توهم و ناآگاهی خودشان در انتخابات ثبت نام کردند و تلاش کردند بگویند (یا به آنان حقه شده بود که بگویند که) با اینکه شورای اسلامی ناکارآمد و به درد نخور است اما این افراد میخواهند از این ناممکن، کسب مطالبات کارگری را ممکن کنند! نمایندگان سابق به خواسته کارگران پشت کردند و راهی به جز آنچه کارگران هفت تپه به آنها نشان داده بودند را رفتند و در انتخابات سراسر تقلب آمیز هم مشارکت کردند و به طرزی ناسف آور خوش رقصی هم کردند. دیروز و در تمام ساعات برگزاری انتخابات نمایشی، خودروهای امنیتی و نیز گشت های پاسگاه هفت تپه دایم در رفت و آمد بودند که با رعب و وحشت کارگران را وادار به رای دادن کنند. اما نهایتاً مجبور شدند با تقلب و دروغ تعداد آرا را به مقداری چندین برابر مقدار واقعی اعلام کنند. تقلب کنندگان حواسشان نیست که در طول یک شبانه روز حتی تعداد آرای چند صد نفری برای مجتمع هفت تپه خجالت آور است. آرا واقعی آنقدر کم بوده که برای افزایش آن به چند برابر نتوانستند رای اول را به بیش از هشتصد تغییر دهند و با این وضع باز هم نشان دادند که برای چند هزار کارگر و در طی انتخاباتی که سه شیفت کاری را در بر گرفته است عدد تقلب آمیز هشتصد رای، باز هم خجالت آور است. طی اخبار دریافتی صحبت بر سر اعلام به حد نصاب نرسیدن انتخابات نیز شده اما با توصیه و همکاری نهادهای امنیتی اعلام شده تعداد آرای واقعی مهم نیست و همین که اعلام شود شورای اسلامی تشکیل شده کافی است و تعداد آرا را دست کاری کردند تا به این خیمه شب بازی خود جامه عمل بپوشانند. کارگران هفت تپه نشان دادند که به خوبی فرق بین نماینده و تشکل واقعی و مستقل خود با تشکلات حکومتی-امنیتی مانند شورای اسلامی کار را میفهمند. اما افراد سابقاً عضو مجمع نمایندگان نشان دادند که چه به علت تهدید امنیتی و یا به علت توهم خودشان به شورای اسلامی، شایسته ی نمایندگی کارگران هفت تپه را ندارند. با وجود تقلب در تعداد آرا، باز هم و پیشاپیش، این مسخره بازی به نام انتخابات شورای اسلامی نزد کارگران و افکار عمومی شکست خورده است و این بازی های مقطعی نمیتواند صدای اعتراض کارگران را خاموش کند بلکه برعکس خشم ما را نسبت به نهادهای دولتی که به هر طریق، مدافع خصوصی سازی و مدافع اسدیگی ها هستند را افزایش خواهند داد.

سوال این است که این نهادهای دولتی که به ضرب و زور و تقلب به پای برگزاری انتخابات شورای اسلامی رفتند با خواسته اصلی و همیشگی ما برای لغو خصوصی سازی چه میکنند؟ ما برای لغو خصوصی سازی دست از مبارزه برنخواهیم داشت و معرکه گیری هایی مانند انتخابات کذایی شورای اسلامی و امثال آن در راه ما سدی ایجاد نمیکند.

ما کارگران هفت تپه دست به انتخاب مجدد نمایندگان واقعی خود خواهیم زد و برای لغو خصوصی سازی گام های جدی و لازم را برخواهیم داشت.

جمعی از کارگران هفت تپه

سه شنبه ۱۱ دیماه ۹۷

پیامهای رسیده به کانال مستقل کارگران هفت تپه

از ما کارگران خواستند که پای صندوق هایی که کارفرما و سیستم دولتی جلوی ما میگذارد برویم و رای بدهیم. همکاران و دوستان عزیز یک سوالی از شما دارم. شورای اسلامی کار که بالاتر و قوی تر و دارای اختیارات فراوانتر از رئیس جمهور و مجلس و شورای شهر نیست. این نهادها که همه شان هم با انتخابات و صندوق رای سرکار آمده اند، کدامشان توانسته اند مشکلاتی از ما و جامعه حل کنند که اینبار شورای اسلامی کار می خواهد معجزه کند؟؟

اگر به صندوق رای و این مدل نمایش دادن ها بود که رئیس جمهور و وزارتخانه هایش می توانستند مشکل صنعت و اشتغال و نیروی کار این مملکت را حل کنند. اگر به رای دادن من و شما در نمایش انتخابات بود که نماینده مجلس شوش می توانست در جهت گرفتن حقوق اولیه کارگران هفت تپه یک قدم کوچک بردارد. در صورتیکه آنها نه تنها نمی توانند بلکه نمی خواهند شرایط ما و فرزندان ما کمی تغییر کند و آب خوش از گلوی طبقه کارگر این مملکت پایین برود. به عنوان مثال نگاه کنید به وضعیت دستمزدهای ما. چه کسانی مانع اصلی در برابر واقعی شدن دستمزدهای ما نسبت به تورم هستند؟ همین وزارت کاری که امروز دست اندرکار شورای اسلامی کار است.

حالا اصلا شما فرض کنید ما آمدم وسط این همه مسئول و مدیر و رئیس و آقابالاسر که ماشاءالله اغلب شان هم انتخاباتی هستند، یک شورای اسلامی کار هم درست کردیم. فکر می کنید چه می شود؟ هیچ. فقط اراده واقعی مان را به دست آقایان داده ایم و برای مراسمهای دولتی زینت المجالس درست کرده ایم. از درون همین شورای اسلامی کار هم اگر کارگری به دنبال مطالبات واقعی کارگران باشد سر و کارش با پلیس و نیروی امنیت دولتی خواهد بود که از دل "صندوق رای" بیرون آمده. به قول معروف آزموده را آزمودن خطاست. اگر واقعا به حق و حقوق مان اعتقاد داریم، اگر فکر می کنیم که لایق شرایط بهتری برای همه گان هستیم، اگر نمیخواهیم بترسیم باید از همه اتفاقات پیرامون مان درس بگیریم. باید تجربه هایمان را به کار بگیریم، نه در جهت عقب نشینی و پاپس کشیدن. بلکه در جهت تشکیل دوباره مجمع واقعی و شورای مستقل کارگران.

شکست مضحکه انتخابات شورای اسلامی کار

امروز کارگران هفت تپه یکصدا مشت محکمی به دهان کارفرما و نیروهای امنیتی زدند که به زور میخواستن ما تو انتخابات شرکت کنیم. اینقدر شرکت کارگرا کم بود که انتخابات به حد نصاب نرسید و تا آخر شب هم تمدیدش کردن ولی بازم کارگری شرکت نکرد. زنده باد کارگر هفت تپه که غیرت داره و نمیتونید کارگر هفت تپه رو گول بزنید. ما شورای اسلامی نخواستیم و نخواهیم خواست. ما نماینده های خودمون رو میخواستیم.

شرکت کارگرا خیلی کم بود در انتخابات شورای اسلامی. نیروهای امنیتی و نیروهای انتظامی اینقدر رفتند و آمدند که مجبور کنند کارگرا رو که رأی بدن ولی خیلی کارگرای کمی رأی دادن. بیشتر آرا هم باطله بود و اکثر آرا باطله هم روش نوشته بود اسماعیل بخشی. یعنی گفتن ما شورای اسلامی رو قبول نداریم ما تشکل مستقل رو قبول داریم. ما اسماعیل بخشی رو قبول داریم. زنده باد کارگر هفت تپه

شورای اسلامی کار یک بحث سرکاری و انحرافی است.

همکاران.. برخی از دوستان ما خیال میکنند اگر با شورای اسلامی که مجوز اداره کار را دارد و خواسته ی اطلاعات هم هست فعالیت کنیم یعنی هیچ مشکلی برای ما درست نخواهد شد که این اصلا درست نیست.

امروز در خبرها دیدم که یک معلم به نام محمد حبیبی که عضو هیات مدیره یک تشکل رسمی و مجوز دار بوده به هفت و نیم سال زندان محکوم شده. یعنی اول به کانون صنفی قانونی این عزیزان مجوز دادن اما چون این معلم دنبال مطالبات معلمان بوده زندانش کردن. فرقی نداره شما عضو یک تشکل مجوز دار باشید یا نه اگر دنبال منافع کارگری باشی مقامات قضایی و امنیتی با کارفرما همدست هستن و علیه ما کارگران .

این یک توهم و تصور اشتباه است که از طریق شورای اسلامی میتوان دنبال حق و حقوق بود. مگر اسماعیل بخشی سازمانی و سیاسی بود؟ نه. نماینده منتخب ما بود و حرف های ما را میزد. چقدر اذیتش کردند. بنابراین باید یادمون باشه که شورای اسلامی که تحمیل شده از اطلاعات و دولت است به درد ما نمیخوره. ما باید نماینده مستقل خودمون رو داشته باشیم. شورای اسلامی ضد منافع و خواسته های ما است حتا اگر افراد خوبی توش برن. اصلا به محض اینکه از خواسته ها و مطالبات معوقه ما حرف بزنین باز هم کنار زده میشن. مگر اینکه ما تشکل مستقل خودمان را داشته باشیم و پشتیبان نماینده مستقل خودمون باشیم. نه اینکه بریم به دست خودمون ، به دستای خودمون دستبند و زنجیر شورای اسلامی بزنینم و دستمون کلا بسته بشه. شورای اسلامی ما رو غلام حلقه به گوش اطلاعات و کارفرما میکنه. سر کاری است. بدبختی است.

حرف ما کارگران هفت تپه: نه به شورای اسلامی کار که به سود اسدبیگی و اطلاعات است.

اسدبیگی مدیر عامل هفت تپه با ۹۸ میلیون دلار ارز دولتی فرار کرد!

اسدبیگی مدیر عامل هفت تپه که می گفت «اجازه نخواهیم داد وجبی از این خاک به غیر از ایجاد رفاه و توسعه برای مردم، در مسیر دیگری قرار گیرد»، تنها در یک فقره از تخلفاتش، با جعل برگه های توجیهی اخذ ارز دولتی، ۹۸ میلیون دلار را گذاشت جیش و فرار کرد . امید اسدبیگی مدیر عامل پیشین نیشکر هفت تپه که چندماه پیش به کارگران بیچاره گفت دست در دست هم زیر سایه نظام بمانیم با میلیاردها تومان از پول کارگران متواری شد . در دادگاه رئیس حراست بانک مرکزی گفته شد با همکاری امید اسدبیگی ۹۸ میلیون دلار ارز از دولت دریافت شده و با نرخ آزاد در بازار فروخته اند و سودش را به جیب زده اند. ۹۸ میلیون دلار! امید اسدبیگی مالک هفت تپه است که رییس خصوصی سازی تمام قد از او دفاع کرده است

دسته گل دیگری از خصوصی سازی / اسب را به قیمت نعلش فروختند!

ماشین سازی تبریز با ارزش بیش از ۵۰۰۰ میلیارد تومانی را به ۶۸۷ میلیارد فروختند.

اسماعیلی، عضو کمیسیون صنایع: #ماشین سازی تبریز که واگذار شده است ۱۲۶ هکتار زمین کارخانه است و ۸ هزار ۸۳ متر مربع زمین و ۴۰۰ اپارتمان دارد که ۸۳۵ میلیارد تومان پول زمین های اطراف کارخانه است .

پول زمین های کارخانه و این واحد بیش از ۵۰۰۰ میلیارد است، حداقل ۵۰۰ ماشین در این کارخانه وجود دارد که تکنولوژی را وارد کشور کرده و مادر صنایع است که یک واحد ماشین آلات آن نیز ۱۰ میلیون یورو قیمت دارد که ۶۸۷ میلیارد تومان این کارخانه به فروش رفته است که فردی که این کارخانه را خریداری کرده کاملا نااهل بوده است.

چهارم دی ماه ۱۳۸۴ سالروز اولین اعتصاب سازماندهی شده رانندگان شرکت واحد بعد از ۲۷ سال سکوت.

سندیکای کارگران شرکت واحد بعد از انتخابات ۱۳ خرداد ۸۴ پیگیری های زیادی برای احقاق حقوق و مطالبات بجا مانده و انباشته شده رانندگان و کارگران شرکت واحد انجام داده است و در مدت ۸ ماهی که از احیاشدنش میگذشت بطور مرتب با برگزاری جلسات هفتگی و آموزش بخش های از حقوق کار و قانون اساسی در صدد آگاه کردن کارگران شرکت واحد بخصوص رانندگان زحمت کش شرکت واحد بوده است که موفقیت های چشمگیری در این زمینه بدست آورده است. اما از آنجایی که صاحبان قدرت در کشور ما، تحمل هیچ تشکیلات مستقلی را هرگز نداشته و ندارند. بطور دائم با اعضای این سندیکا برخوردهای پلیسی و امنیتی کرده است بطوری که تا دی ماه سال ۸۴ که هنوز اولین اعتصاب سازماندهی شده سندیکای کارگران شرکت واحد شکل نگرفته بود تعدادی از اعضای این سندیکا در زندان و یا اخراج از کار بودند و پرونده سازی های متعددی از سوی عوامل امنیتی و کارفرما و حراست برای اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد درست کرده بودند.

درواقع بجای رسیدگی و گوش کردن به فریادهای رانندگان معترض که مطالبات زیادی طلبکار بودند، روش سرکوب و ارباب را در دستور کار خود قرار دادند. این تهدیدها و فشارها رانندگان را بر آن داشت تا از سندیکای مستقل خودشان درخواست اعتصاب و دست از کار کشیدن داشته باشند تا شاید گوش ناشنوا ی مسئولین را وادار به شنیدن کنند. سندیکای واحد علیرغم آگاهی داشتن از تبعات اعتصاب، پاسخ مثبت به رانندگان و کارگران معترض داد و در روز قبل از چهارم دی ماه در اطلاعیه تاریخ اعتصاب را برای روز چهارم دی ماه ۱۳۸۴ تعیین کرد که بلافاصله عوامل امنیتی دست بکار شدند و شروع به دستگیری اعضای سندیکا کردند و اولین اعتصاب رانندگان شرکت واحد بعد از ۲۷ سال کلید خورد و بعد از یک هفته بجز دوتن از اعضای سندیکا تمامی بازداشت شدگان از زندان آزاد شدند و اعضای سندیکا ملاقات هایی با عوامل دست اندر کار شهرداری و شرکت واحد برای مطالبات کارگران انجام دادند تا ۴۰ روز بعد که هشتم بهمن ماه برای عدم تحقق مطالبات رانندگان و بی توجهی مسئولین نسبت به خواسته های کارگران دومین اعتصاب به فاصله چهل روز بعد از اعتصاب اول کلید خورد.

یاد و خاطره تمام زحمت کشانی که در آن روزهای سخت همکارانشان را تنها نگذاشتند و هزینه های زیادی برای بدست آوردن مطالبات همکارانشان پرداخت کردند گرامی باد، راهشان پرتوان.

نادیده گرفتن حقوق و مطالبات بجا مانده، رانندگان و کارگران شرکت واحد از سوی مدیریت را محکوم میکنیم.

مدیریت شرکت واحد اتوبوسرانی طی دو سال گذشته به مرور مزایای دریافتی کارگران و رانندگان زحمتکش شرکت واحد را قطع و یا از آن کاسته است. تا حدی که کارفرما حق بیمه ۴ درصد رانندگان و کارگران واجد شرایط بازنشستگی را با تاخیر حدود ده ماهه پرداخت می کند و بازنشستگی این زحمتکشان با تاخیر صورت می گیرد. و پس از بازنشستگی نیز پاداش پایان کار کارگران بازنشسته (حق سنوات) با تاخیر بیش از شش ماه پرداخت میشود در صورت عدم پاسخگویی و بی توجهی مسئولان و عوامل مدیریتی نسبت به مطالبات به حق کارگران و رانندگان، سندیکای کارگران شرکت واحد روش های اعتراضی رانندگان را حق مسلم کارگران میداند و از اعتراضات احتمالی، همچون گذشته حمایت میکند.

در صورت ادامه آزار و اذیت رانندگان و کارگران توسط حراست سامانه های چهار و شش، واکنش اعتراضی سندیکا بسیار گسترده خواهد بود

در صورت ادامه احضار و آزار و اذیت رانندگان و کارگران حق طلب توسط حراست سامانه چهار و شش، واکنش سندیکا در اعتراض به عملکرد حراست در این سامانه ها بسیار شدید خواهد بود و با سازماندهی از کارگران دعوت به اعتراض گسترده خواهد کرد.

کارگران جهان متحد شویم!

بنابر گزارشات متعدد، مدتی است که حراست سامانه چهار و اخیراً حراست سامانه شش، برای خاموش کردن اعتراضات بحق رانندگان و کارگران در مورد مطالبات معوق خود، پیوسته کارگران حق طلب را احضار و تهدید می کند. خوشبختانه پاسخ کارگران به حراست خیلی روشن بوده است: "مطالبات مان را پرداخت کنید تا اعتراض نکنیم"

هر چند تهدید کارگران توسط حراست و مدیریت، پوشالی است و در نهایت اقدامی علیه کارگران نمی تواند انجام دهد. اما سندیکا در برابر احضار تک به تک کارگران و تهدید آنان سکوت نمی کند و قویاً به مدیریت و حراست شرکت واحد در این مورد هشدار می دهد که: "واکنش های اعتراضی سندیکا نسبت به احضار و تهدید کارگران گسترده خواهد بود."

سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه

حمایت اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد از بازگشت بکار همکاران اخراجی خود که به دلیل اعتراضات صنفی از کار اخراج شده اند.



کارگران اخراجی حسن سعیدی، رضا شهابی، ناصر محرم زاده، حسین کریمی سبزواری و فرحناز شیرینی شاغل باید گردند.

ما را در توزیع وسیع بولتن اخبار کارگری نهادهای همبستگی به زبان انگلیسی یاری رسانید!



AWNI
Alternative Workers News-Iran
a fortnightly Newspaper from:
«solidarity committees with iranian workers movment - abroad»

وبلاگ بولتن اخبار کارگری به زبان انگلیسی را به نهادهای و تشکلهای کارگری جهانی بشناسانید!

<https://alternativeworkersnews.wordpress.com/>

تقدیرنامه اسماعیل بخشی

مردم ایرانم درود
اسماعیل چگونه می‌تواند محبت سرشارتان را فراموش کند چگونه می‌تواند در یادتان نباشد هنگامی که شما در سخت‌ترین لحظات زندگی ام به یادم بودید و مهرتان را بر من و خانواده ام بارانیدید، در روزهای گذشته در شرایطی بودم که نه قلم یاری می‌کرد و نه ذهن و جانم، حتی واژه‌ها هم بامن بیگانه شده بودند اما دیگر تاب این بار سنگین را ندارم، پس می‌کوشم با روح پریشانم، لکنت زبانم و قلم لرزانم، در تنای قطره‌ای از مهرتان چیزی بنگارم
ابتدا یاد میکنم از کارگران رنجدیده و با وفای هفت تپه و خانواده‌ی بزرگوارشان که تا روز آخر در کنار خانواده ام بودند و امروز که پس از گذشت چهل روز در محل کارم حاضر شده‌ام با اینکه دیگر معنای آزادی را دیگر نه میفهمم نه درک میکنم اندکی احساس آزادی کردم، ای آزاد دلان
یاد میکنم از تمام هم‌طبقه‌ای‌های کارگرم و از تمام تشکلات و سندیکاهای کارگری کشورم که حامی برادر کوچکشان بودند
یاد میکنم از معلمان عزیزم، جامعه‌ی پزشکان و پرستاران مهربانم، بازاریان و تمام اصناف و انجمن‌هایی که مهرورانه برایم مهرورزیدند
یاد میکنم از هنرمندان و نویسندگان و شاعران خوش فکر و خوش ذوق کشورم
و بسیار خاص و خیلی ویژه یاد میکنم از دانشجویان عزیزم، دانشجویان نازنینم، شاپرکان زیبای میهنم، فرزندان رعناي سرزمینم دوستتان دارم
و در آخر در جواب همه‌ی عزیزانم که در ایام بازداشت شعار «من هم اسماعیل بخشی هستم» را یا گفتند یا نوشتند «تا هم مرا حامی باشند و هم خانواده‌ی غمگینم را دل آرام، پاسختان میدهم: «من هم فدایی شما هستم»
۱۳۹۷/۱۰/۲



اسماعیل بخشی همچنان بخشی از جنبش کارگری ایران است!

علیرغم هر گونه فشار به اسماعیل بخشی، و بازداشت او و دیگر کارگران در هفت تپه و اهواز در هفته های گذشته، باعث نخواهد شد که خواست و مطالبات کارگران در سینه ها خفه شود.

اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و نماینده کارگران هفت تپه همچنان در صف طبقه کارگر قرار دارد. سکوت معنا دار اسماعیل بخشی پر معنا تر از هارت و پرت افراد و جریاناتی بود که تحت عنوان دفاع از کارگران، وجود سندیکای هفت تپه را منکر شدند و بود و نبود نمایندگان کارگری از جمله اسماعیل بخشی و علی نجاتی را در هفت تپه را آگاهانه خط زدند.

بله، سکوت اسماعیل بخشی رساتر از هر صدایی بود که سعی نمودند با خبر رسانی، یک چهره دروغین از خود بسازند.

اسماعیل بخشی نماینده و صدای کارگران هفت تپه بوده و هست و سکوت معنادار او باعث نشد که کارگران هفت تپه و در بعد سراسری، کارگران ایران، اسماعیل بخشی را فراموش کنند.

اسماعیل بخشی بعنوان یک کارگر و بعنوان یک نماینده واقعی در سخت ترین شرایط در کنار کارگران ایستاد و حاضر نشد به منافع کارگران پشت کند.

سندیکای کارگران هفت تپه ضمن حمایت همه جانبه از اسماعیل بخشی، از تمام زحمات تاکنونی او، قدر دانی کرده و امید داریم که با پشت سر گذاشتن این دوران سخت، شاهد حضور دوباره او باشیم.

بی شک کارگران هفت تپه و دیگر کارگران در ایران برای نمایندگان خود و کارگرانی که در راه حق خواهی و کسب مطالبات کارگران قدم بر می دارند از رش و احترام خاصی قائل خواهند بود.

سندیکای کارگران هفت تپه خواستار آن است که پرونده سازی علیه اسماعیل بخشی پایان پذیرد و علی نجاتی از نمایندگان اسبق کارگران هفت تپه و عضو کنونی سندیکای کارگران هفت تپه، سریعاً و بی قید و شرط و بدون قرار وثیقه آزاد گردد.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
دی ماه ۱۳۹۷ ۳

سپیده قلیان، هفت تپه

هفت تپه یک اتفاق تاریخی در گذشته‌های دور برای درس و عبرت سیاسی کارگران نیست. آنچه که در هفت تپه گذشت، آغاز سیاست‌ورزی طبقاتی کارگران به شکل عیان و تمام عیار بود. سرکوب کارگران هفت تپه هم با دستگیری‌ها، نه آغاز شد و نه پایان یافت! سرکوب در هفت تپه با حمله‌ی همه جانبه به معیشت کارگران، با تصویب حداقل حقوق‌های تحقیر آمیز، با روی کار آمدن سیاست‌ها و خصوصی سازی آغاز شده بود و اکنون نیز به شدت تداوم دارد. افراد، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی به اشکال گوناگون به حمایت از کارگران هفت تپه پرداختند. کارگران، معلمان، وکلا، فعالان اجتماعی و سیاسی، دانشجویان، و هر آنکه دل در گروی آزادی و عدالت اجتماعی دارد از هفت تپه حمایت کردند.

من هم به عنوان یک دانشجو و کارگر، مانند صدها تن از مردم شوش، به سبب نزدیکی محل زندگی، حمایت از اعتراضات هفت تپه را با حضور در کنار آنها به جای آوردم. و البته این به مذاق نهادهای امنیتی خوش نیامد و بازداشت شدم.

در طول سی روز بازجویی مداوم، اتهاماتی همچون عضویت در گروه‌های سیاسی و تلاش برای سیاسی کردن هفت تپه به من زده شد. و من نمی‌دانم چه چیزی سیاسی‌تر و جدی‌تر از شعارهای چند هزار کارگر هفت تپه بود که من بخواهم دخالتی در وقوعش داشته باشم؟

سی روزی که با ضرب و شتم شروع شد و با شکنجه‌های روانی ادامه پیدا کرد و با وثیقه‌ی پانصد میلیون تومانی، چنان که گویی من مرتکب جنایت شده‌ام پایان یافت. در حال زندگی همچنان ادامه دارد... مخاطبان این متن از یک سو رفقا و عزیزانی هستند که نگران وضعیت من بودند. و از سوی دیگر آنانکه از تخریب و سرخوشی‌شان مدام باد. تحقیر من در این مدت سرخوش شدند.

مقاومت ادامه دارد. برای آزادی همه. برای آزادی کارگران فولاد. برای رهایی ایران

سپیده قلیان
۹۷/۱۰،۳

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هر شکل و با هر توانی که دارند
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور